

واد را تا امروز بموقع اجراء بگذاردند خیال دارند باین زودی بموقع اجراء بگذرانند یا خیر؟ و در صورتیکه خیال ندارند بموقع اجراء گذارند آیا یک دلیل ثانوی برای این اختیاری که بجهت خودشان فرض کرده اند دارند یا خیر.

**رئیس** - با اینکه چند نفر از آقایان آمدند باز عده کافی نیست جلسه آینده روز یکشنبه سه ساعت و نیم بظهر دستور ارباب بقیه شور اول در قانون استخدام ثانیاً لایحه تقدیم چراغ برق بصورت معصومه سلام الله علیها ثالثاً لایحه راجع باموال حکماء راجعاً بانضمام ایراقویزید

**مستشار السلطنه** - بنده چندی قبل مشاوری راجع باقدمات شاهزاده همدانی - السلطان کرده بودم خواش دارم او را هم جزء دستور قرار دهید و امر بنمائید که هیئت دولت زودتر برای جواب حاضر شوند

**رئیس** - سؤال را نمی شود جزء دستور قرارداد بوزراء هم چند مرتبه نوشته شده است

**آقا میرزا محمد صادق طباطبائی** - قانونی ممیزی هم که خیلی مورد احتیاج دولت و مردم است از کمیسیون گذشته و حاضر است اگر صلاح میدانید جزء دستور گذاشته شود

**رئیس** - ممکن است قیام از تنفس چند ماده از قانون استخدام بمدار تنفس چند ماده از قانون ممیزی مطرح شود (جلسه یکساعت و نیم بعد از ظهر ختم شد)

**مؤتمن الملک**

**جلسه ۱۲۵ صورت مشروح مجلس یوم سنه (۲۱) اسد (۱۴۰۱) مطابق نوزدهم ذی حجه (۱۳۴۰)**

مجلس ۳ ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

صورت مجلس یوم چهارشنبه هفدهم اسد آقای امیر ناصر قبل از رای دهندگان بقانون شریعهها قرائت نمودند

**رئیس** - اسامی قبول کنندگان ورد کنندگان قرائت شود یانه

**بعضی از نمایندگان** - قرائت شود

**محمد هاشم میرزا** - مقصود نظامنامه هم همین است که قرائت شود منتهی حالا چون روزنامه رسمی نداریم در صورت مجلس باید نوشته شود و باخواندن اسامی هم کسی مخالف نیست

**رئیس** - بسیار خوب قرائت میشود

آقای امیر ناصر اسامی رد کنندگان و قبول کنندگان را باقیه صورت مجلس قرائت

نمودند .  
**رئیس** - آقای منتصر الملک (اجازه)

**منتصر الملک** - راجع بحقوقات اجراء ادارات که در جلسه سابق مذاکره میشده بنده عرض کردم که در کمیسیون بودجه این قبیل حقوقات جزء بودجه به وزارت خاها تصویب شده و این مطلب ذکر نشده و باید علاوه شود

**رئیس** - این هم اضافه میشود دیگر ملاحظاتی نیست

آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه)

**شیخ الاسلام اصفهانی** - اینکه در صورت مجلس در جزو قبول کنندگان نوشته اند (شیخ الاسلام محلاتی اشتباه شده) اولاً شیخ الاسلام محلاتی نداریم آقای حاج شیخ اسدالله محلاتی هستند ثانیاً بنده جزو قبول کنندگان نبودم و جزو متوقفین بودم

**رئیس** - همین طور است که فرمودید چون آقای حاج شیخ اسدالله در جای دیگر هم اسمشان نوشته شده و ایشان هم تصویب کرده بودند

**حاج شیخ اسدالله** - صحیح است

**رئیس** - بعد از این اصلاحات صورت جلسه تصویب شد. بالفعل لایحه قانون ممیزی عمومی مطرح است

**شیخ الاسلام اصفهانی** - اجازه می فرمائید

**رئیس** - بفرمائید  
**شیخ الاسلام** - در جلسه قبل مقرر فرمودید اول جلسه امروز آقای معاون وزارت عدلیه جواب سؤالات بنده را بدهند

**رئیس** - (خطاب بمعاون وزارت عدلیه) آقای شیخ الاسلام سؤالی کرده اند جوابشان را امروز میدهند یانه

**معاون وزارت عدلیه** - بلی آقای شیخ الاسلام در سؤالشان سه فقره تردید داشتند یکی این که قانون اصول معاکمات حقوقی قانونیت دارد یا ندارد؟ و یکی اینکه موافق باشرع است یا نه؟ دیگر ماده ۱۴۸ اجراء میشود یانه

**شیخ الاسلام** - اجازه می فرمائید؟ سؤال بنده اینها نبود اجازه بدهید تکرار کنم

**معاون وزارت عدلیه** - سؤال شما همین با بود اولاً اصول معاکمات حقوقی قانونیت دارد و راجع بماده ۱۴۸ البته وزارت عدلیه این ماده را اجراء می کند و این ماده این است که در کلیه مسائل شرعی بااستثنای موارد ماده ۱۴۵ در صورتی که متداعبین قراضی کنند عدلیه رسیدگی خواهد نمود والا بمحضر شرع ارجاع خواهد نمود موارد ماده صد و پنجاه و پنج کلیتاً بمعاضر

شرع رجوع میشود ولی در باقی امور چون تا بحال اتفاق نیفتاده است که متداعبین نکنند عدلیه در اموراتی که خارج از مشمولات ماده (۱۴۵) باشد رسیدگی می کنند

**شیخ الاسلام** - بنده گمان می کنم آقای معاون در موضوعات شرعی با اشتباه باشند اگر اجازه می فرمائید در خارج مجلس هر ایضاً را خدمتتان عرض می کنم بعد اگر لازم شد باز در مجلس طرح خواهم کرد چون تمام امور شرعی است

**رئیس** - مذاکرات در کلیات لایحه ممیزی عمومی است

آقای اقبال السلطان (اجازه)

**اقبال السلطان** - بنده موافقم  
**رئیس** - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

**حاج میرزا عبدالوهاب** - عرض می کنم اولاً این لایحه که نوشته شده عملی نیست و تا پنج سال دیگر هم اگر بنا باشد ممیزی کنند تمام نمیشود مثل این که در شامرو و سایر جاهائی که سابقاً ممیزی کرده اند همینطور نصف کاره مانده است و بهتر این است از خود مالکین صورت عایدات را بخواهند و تقش کنند و از روی آن مالیات را معین نمایند برای عملی کردن این مفیدتر و بهتر است زیرا هم یک صورت تخمینی از عایدات مملکت معین میشود هم مالیات دولت بزمین نمی خورد و هم چنین این راهم که نوشته اند از الاغ چقدر بگیرند و از شتر چقدر این هم عملی نیست از یک طرف میگویند عشر عایدات زمین و غیره را میگیرند از طرفی می گویند از الاغ و شتر و گاوها فلان مبلغ بکنند از نمایندگان - الاغ نوشته نشده

**حاج میرزا عبدالوهاب** - چرا هست ملاحظه بفرمائید یکجا از هشرمه عایدات می گیرند که الاغ و شتر هم شامل آنها هست و یکجا هم علیحده نوشته اند دیگر اینکه این قانون شامل اراضی اطراف شهر و باغات نمیشود مثلاً در ولایت ما در اطراف شهر اراضی هست که باغات است و بپردم اجاره می دهند و این قانون شامل حال آنها نیست و خوب است ترتیبی داده شود که شامل حال این اراضی هم بشود که بدولت از این حیث ضرری وارد نیاید عرض دیگری ندارم

**شیخ الاسلام** - در این خصوص بنده قبلاً اجازه خواسته بودم  
**رئیس** - صحیح است بمدار یک موافق بفرمائید

آقای اقبال السلطان (اجازه)

**اقبال السلطان** - در کابینه سابق

آقای قوام السلطنه که آقای مصدق السلطنه وزیر مالیه بودند یک لایحه ممیزی پیشنهاد کردند که در آن لایحه اینطور قرار داده بودند که از مالکین سؤال شود عایدات ملک آنها چه قدر است و اظهاریه مالکین را مدرک ممیزی قرار دهند و آن لایحه در کمیسیون قوانین مالیه مطرح شد و در آنجا نوشته بودند در صورتی که بین مالک و مامورین دولت اختلاف نظری حاصل شد مامورین دولت دو مرتبه بروند و ممیزی بکنند و چون معلوم بود در هر اظهاریه بین مالک و مامور دولت اختلاف نظر حاصل می شود باین جهت کمیسیون قوانین مالیه عقیده اش براین شد که محض رفع زحمت از مالک و مامور از اول مامورین دولتی بروند و ممیزی کنند و دیگر اینکه آقای حاج میرزا عبدالوهاب فرمودند این قانون شامل اراضی اطراف شهر نمی شود خیر این ماده شامل تمام اراضی می شود اهم از اینکه بشهر چسبیده باشد یا بیست فرسخ از شهر دور باشد

**رئیس** - آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه)

**شیخ الاسلام** - چون آقای طباطبائی مخبر کمیسیون قوانین مالیه هستند بنده بایک قوت قلب و شجاعتی نظریات خود را بعرض میرسانم چون آنچه بنده از مسلك ایشان فهمیده ام این است که همیشه دنبال این هستند که نقطه صلاح و اصلاح را پیدا کنند و مدافع هم که باشند گوش میدهند و کلمات مخالفین را استماع می نمایند و اگر یک چیز هائی باشد که بنظرشان صحیح نباشد و دلائلی روان دارند رد می کنند و اگر یک چیز هائی باشد که صحیح باشد قبول می کنند و مهربانند بکمیسیون که در او دقت نظر بشود و باز مجدداً بمجلس بیاورند و طریق صحیح هم همین است و هیچ وقت نباید نسبت بناطقیین همه و کافر ماجرائی بکنیم خیر باید موافق و مخالف مطالب خودشان را اظهار بکنند تا اطراف مسئله روشن بشود آنوقت رای داده بشود نراهی هم در کار نیست

باری این لایحه ممیزی را بنده دوسه مرتبه بدقت خواندم بسیار خوب لایحه ای است و ما باید از اعضای کمیسیون قوانین مالیه اظهار قدردانی بکنیم که یک مطلب بسیار مشکل و مهمی که راجع بممیزی یک مملکت است باین آسانی و این خوبی تحت یک مواد مختصر با یک عبارتی که همه بفهمند منظم کرده و بمجلس شورای ملی آورده اند حالا اگر اشاره بشود بعملیات سایر کمیسیونها شاید مناسب نباشد لیکن از کمیسیونها بیش از اینها انتظار داشتیم خلاصه بنده از سهم خودم تشکرات خود را باعضاء محترم کمیسیون قوانین مالیه تقدیم می کنم خصوصاً بواسطه اینکه

رهایت کامل کرده اند که حقوق ارضی و احشام نزدیک بتواند اسلامیه باشد و چیزهایی که در این قانون حق بر آنها بسته شده است چیزهایی است که در قانون مقدس اسلام هم حق بر آنها بسته شده . یک فقره عمده حقوق ارضی است که در این قانون معین شده است که عشر و خالص عایدات متوسطه مالک باید دریافت شود در قانون شرع مقدس هم بر اینها حقوقی بسته شده .

نهایت چیزی که هست در غلات اربع که گندم و جو و خرما و میزب باشد حقوق واجب بسته شده ولی در سایر چیزها حقوق منتخب بسته شده مثلا به برنج . نخود . لوبیا . تریاک . معلوج در شرع مقدس حقوق مستحب بسته شده فقها هم فرمایند و تستحب الزکوات مما تثبت الارض من المکبیل والموزون . یکی دیگر از چیزهایی که در این قانون حقوق بر آن بسته شده شتر است بر شتر هم در شرع مقدس حقوق بسته شده .

دیگر از چیزهایی که در این قانون بر او حقوق بسته شده بر گوسفند است در شرع هم بر آن حقوق بسته شده یکی از چیزهایی که در این قانون حقوق برایش معین شده ماویان است . در شرع هم حقوق دارد الا اینکه حقوق مستحب دارد مثل اجناس غیر از غلات ایران حقیقتاً آنچه قدر اسباب امیدواری است که بعضی جزئیات این لایحه تطبیق میشود با مقررات اسلامی . مثلا نصاب اول شتر پنج است و هر کس پنج نفر شتر داشته باشد باید یک گوسفند زکوت بدهد و این قانون بهر یک نفر شتر دوازده نفر معین کرده و پنج دوازده نفر شش تومن میشود . با قیمت یک گوسفند تقریباً معادل است . نصاب دوم شتر ده تا است هر کس ده نفر شتر داشته باشد باید در آخر سال دو گوسفند بدهد و در این قانون بدنه نفر شتر دوازده تومن بسته تقریباً قیمت دو گوسفند میشود . نصاب سوم شتر پانزده نفر است مطابق این قانون هیجده تومن باید بدهد . معادل قیمت سه گوسفند است . در شرع انور هم ۴ گوسفند برای پانزده نفر شتر نصاب معین شده نصاب چهارم شتر بیست نفر است هر کس بیست نفر شتر داشته باشد در آخر سال چهار رأس گوسفند باید بدهد در این قانون هم بیست دوازده نفر شتر بیست و چهار تومن معادل قیمت چهار رأس گوسفند برای بیست و پنج نفر شتر سی تومن معین شده و تقریباً معادل پنج گوسفند نزدیک است با مقررات اسلامی ( یک نفر از نمایندگان آقا محمد اسکرات در کلیات است باید در اصل موضوع حرف بزنید ) . . . .

**شیخ الاسلام** - آقایان که نمی

گذارد و معصل کلمات مشتت می گویند هر وقت فرمایشات تمام شد آنوقت عرض می کنم حالا که . . .

**رئیس** - بگذارید نطقشان را تمام کنند .  
**محمد هاشم میرزا** - پس حرف نذرده داریم گوش میدهیم  
**شیخ الاسلام** - آقایان که نمی گذارند داختم عرض می کردم که نصاب ششم شتر ( ۲۹ ) نفر است و مطابق این قانون سی و یک تومن و دو نفران باید بدهد و تقریباً با هم مطابق درمی آید . همین طور نصاب هفتم و هشتم و نهم و دهم الی آخر که حالا مجال نیست عرض کنم نصاب اول گوسفند چهل رأس است . هر کس چهل رأس گوسفند دارد در آخر سال باید یک گوسفند بدهد و مطابق این قانون هم چهار تومن می شود اینجا تقریباً یک کم و زیادی دارد نصاب دوم گوسفند ۱۲۱ رأی است و هر کس ( ۱۲۱ ) رأس گوسفند داشته باشد باید دو گوسفند بدهد و مطابق این قانون ۱۲ تومن و یک نفران باید بدهد این هم یک قدری اختلاف جزئی دارد ولی چیزی که هست کاملاً رعایت نصاب در این قانون نشده است که بعقیده بنده خیلی لازم است چون در شرع انور یک نفر دو نفر شتر و ده رأس بیست رأس گوسفند حقوق ندارد چون متملق بقرا وضعفا است فلسفه این مطلب هم و بیست رأس گوسفند اطلاق گله داری نمی شود و این نکات باید رعایت شود و اعضای کمیسیون این را باید در نظر بگیرند و تمام نصاب را در این قانون باید رعایت نمایند یک مطلب دیگری که در این لایحه فرق گذاشته نشده زراعت آب و چاه و قنات است باز زراعت با آب رودخانه و آب باران اگر چه یک مغارجی منظور شده است ولی بعقیده بنده این اندازه تفاوت خیلی کم است و بنده کاملاً معتقد هستم باید یک فرق خیلی کلی گذاشته شود بین زراعت از قنات و چاه با زراعت از رودخانه و باران چون خیلی قنات مغارج زیادی دارد

مثلا در یزد قنات هست که ( ۹۰ ) زرع عمق دارد و این قنات البته صد هزار تومن خرج دارد آنوقت آیا چنین قناتی بایک نفر منشق از رودخانه یک مغارج دارد البته خیر و آبیاب که چنین مالکی که صد هزار تومن سرمایه خودش را در چاه ریخته است باید یک عشر از عایدات خالص خود را بدهد یک نفر آدم دیگر هم که یک بنری آورده است و در بیابان ریخته و رفته است و در سال دیگر می آید محصولش را جمع می کند یک عشر بدهد آیا این صحیح است پس مطابق این دلیل بنده عقیده ندارم که زراعت از رودخانه و قنات یکطور حقوق بدهند دلیل دوم این است که مالکین زراعت رودخانه آب حقوق دادندشان بسته باین است که بارش از آسمان بیاید و ممکن

است یکسال باران از آسمان نیاید یا کم بیاید آنوقت هیچ نیاید بدهند یا کم چون زراعت تابع باران است ولی مالکین زراعت چاه آب و قنات آب تمام سالها حقوقي که حق یا نا حق بر آنها بسته شده است می دهند مگر بعضی سالها که آفت باشد آنهم آفت کلی و این دورا نمیشود نعت يك انضباطی در آورد . دلیل سوم هم که بنظر بنده رسیده این است که اگر مالیات ارضی در ایران عشر عایدات خالص مالک گرفته شود مالیات ایران خیلی زیاد میشود چون مالیاتی که معمول بوده و قبل از زمان حاج میرزا آقاسی و امیر کبیر می گرفته اند هفت گروه بوده و تقریباً تمام ارضی بوده منتهی یک جزئی غیر ارضی بوده و البته در آن زمان هم رعایت عشر شده است و از آن زمان هم تاکنون اقل قیمت اجناس پنج برابر شده است . گذشته از اینکه در این مدت قنات و املاک جدیدی هم احداث و آباد شده اگر چه یک قدری هم شاید از بین رفته باشد ولی بیشتر زیاد شده و کمتر کم شده و آن املاکی هم که خراب شده انشاء الله بهمین زودی آباد میشود .

خلاصه اگر تقریبی حساب کنیم اگر از عایدات خالص عشر گرفته شود مالیات ارضی ایران تقریباً سی و پنج کرور میشود و مملکتی که تمام مغارج آن چهل و دو کرور با اجعافات چهل و پنج کرور باشد نباید مالیات ارضی تنهای آن ۳۰ کرور باشد و صحیح نیست علاوه یک مطلب دیگر که بنظر بنده رسیده این است که البته قانون باید عملی باشد و فقط قانون و دلخوش کردن فایده ندارد باید قانون گذار اول اجرای قانون را در نظر بگیرد بنده تصور میکنم یک مرتبه نمیشود مالیات ایران را پنج برابر کرد و یک دهی که دو بیست تومن مالیات بدلت می داده یک مرتبه بگوئیم هزار تومن بدهد البته نمیشود . دلیل دیگر این است که چون آقایان اعضاء کمیسیون قوانین مالیه در نظر دارند کاملاً رعایت مقررات شرعی بشود و در شرع مقدس فیما بین زراعت چاه آب و رودخانه آب و آب باران دویم فرق گذاشته شده است یعنی زراعت قنات آب نیم عشر باید بدهد و زراعت رودخانه آب و آب باران یکده یا عشر بدهد .

بنابراین عقیده بنده این است که بین زراعت قنات آب و رودخانه آب و باران آب باید تفکیک بشود نظریات دیگری هم بنده در موضوع میزب دارم و بعد در موقع خودش عرض میکنم و گمان میکنم این طریق میزب جامع الاطراف نباشد باید اعضاء محترم کمیسیون قدری وقت بفرمائید که قدری وسیعتر و مضبوطتر بشود و این قسم که پنج نفر معین کنند بروند میزب کنند با این شلوقیها که مادر میم ترسم اسباب

اشکال بشود و حکایت هشت هزار خرور جو اصفهان و از بین رفتن باشد و این چهار شاهی هم که حالا عایدان میشود از بین برود .  
بعقیده بنده مشکلاتین مواد قانون میزب طریق عملی کردن آن است خصوص باموانع و مشکلاتی که امروز مادریم .  
رئیس - آقای آقاسید یعقوب موافق هستید .  
آقا سید یعقوب - بله .  
رئیس - بفرمائید .

آقا سید یعقوب - اولاً اینکه آقای شیخ الاسلام فرمودند خوب است گوش بدهند تا مطلب گفته شود .  
این مسئله یکدفعه دیگر هم گفته شد مقام ریاست فرمودند که نمایندگان نمی توانند احساسات خود را اظهار نکنند . همینطور هم هست البته نمی توانند نفس را در سینه خفه کنند .

ولی عجلتاً بنده در این خصوص حرف نمی زنم .  
تأیید این بیاناتی را که کردند بکوقت آقای زنجانی در موقع مذاکره در قانون استخدام فرمودند که شور در کلیات غیر از شور در مواد است .

اساساً ما باید بین مملکت باین وضعی که تا کنون گذشته میزب لازم دارد باندازه خود آقای شیخ الاسلام چندین مرتبه بکمیسیون عرض تشریف آورده اند و دیده اند چقدر شکایت بواسطه خرابی و بی اعتمادی ادارات مالیه از اطراف بلند است .  
راجع به میزب هم یک میزب در زمان عباس میرزا شده است و یکی هم در زمان ناصرالدین شاه و از آن وقت تا بحال صد سال یا هفتاد سال است که گذشته و حالا از هفتاد سال ما می خواهیم یک ترتیب صحیحی بدیم که اداره مالیه آن را منطبق قرار داده و از آنرو مالیات بگیرند لایحه آقایان نمایندگان که از ولایات آمده اند عملیات امنای مالیه را دیده اند که بچه ترتیب غیر منظمی است .

حالا حکومت حکومت ملی است و باید قانون طوری نوشته شود که مساوات و عدالت هم ملاحظه شود و در تمام جاها مطابق قانون و عدالت حکم بکند چطور مامی توانیم از یکجا مالیات و جزیه بگیریم وجه بگیریم و از جای دیگر هیچ مالیات نگیریم ؟  
رایماً شما بارها خودتان می فرمائید که من طرفدار فقرا هستم و حالا که در این جا مالیات را از فقرا و ضعفا برداشته اند و بنده در موضوع میزب دارم و بعد در موقع خودش عرض میکنم و گمان میکنم این طریق میزب جامع الاطراف نباشد باید اعضاء محترم کمیسیون قدری وقت بفرمائید که قدری وسیعتر و مضبوطتر بشود و این قسم که پنج نفر معین کنند بروند میزب کنند با این شلوقیها که مادر میم ترسم اسباب

است یانه

نه اینکه از شور حکایات در مواد داخل بشوند .  
بنده عرض می کنم اول قدمی که حکومت ملی می خواهد برای اصلاح مالیه بردارد قانون میزب و این قانون بهترین قوانین است که انشاء الله از مجلس می خواهد بگذرد و مردم را از تفریط کاری امنای مالیه و گرفتاری های دیگر راحت کند و نجات بدهد و در واقع تمام مملکت از روی یک قانون صحیحی مالیات بدهند و مساوی باشند نه اینکه یکجا زیاد بدهد و یک جا هیچ ندهد .

در حال گمان نمی کنم در اصل قانون میزب کسی مخالفت داشته باشد نهایت در مواد هر کس پیشنهادی دارد باید تقدیم کند .  
رئیس - آقای آصف الممالک موافقت میکنید .  
آصف الممالک - بلی .  
رئیس - آقای رفعت الدوله و عماد السلطنه طباطبائی چطور موافقت میکنید .  
عماد السلطنه طباطبائی - بنده هم موافقت میکنم .

رئیس - آقای میرزا ابراهیم قمی بنده موافقت میکنم .  
رئیس - آقای میرزا ابراهیم قمی بنده موافقت میکنم .

آقا میرزا ابراهیم قمی - بنده اصلاً با قانون میزب موافقت نمی کنم در طریق این لایحه مخالف هستم البته ورامین که ( ۳۶۳ ) پارچه آبادی دارد شاید در زمان محمد شاه ناصرالدین شاه که میزب کرده اند صد پارچه هم نداشته است و باین خوبی و آبادی هم نبوده و یک میزب هم نکرده اند که بعد بخورد حالا اگر درست میزب شود باید مالیات ایران بالغ بر هفتاد کرور بشود پس این جهت بنده با لایحه مخالفم یعنی باین طریق که پیشنهاد شده معتقد هستم همانطور که در مستقالات آمدند و مالک را اجاره نامه و عایدی مالکین قرار دادند چون هیچکس از عمل ملک خود مثل مالک خیر ندارد

بنابراین خوب است در اینجا هم مالک را عایدی و اجاره نامه قرار دهند یعنی حد وسط اجاره نامه سال را میزان قرار دهند و اگر هم اجاره نامه نداشته باشد و مالک خودش عمل کرده باشد عایدی او را حساب کنند و از آنرو مالیات معین کنند چون اگر باین ترتیب که سابق میزب میکردند میزب کنند اسباب زحمت مردم خواهد شد چون ما دیدیم اطراف طهران را میزب کردند خیلی جاهارا کسر کردند که حقیقت محل نداشت و از روی ملاک صحیحی نبوده همیشه اسباب شکایت مالکین می شد

ولی اگر از روی اجاره نامه و عایدی اجرا بشود تصور می کنم بهتر باشد اما اینکه آقای شیخ الاسلام راجع بزکوات شرعی فرمودند اگر این مالیات را عشر هم قرار بدهند باز باید مالک زکواترا بدهد زیرا که این مالیات شرعی هست ( بعضی از نمایندگان صحیح است ) و بنده نسبت به مواشی و اغنام هم معتقد نیستم باین ترتیب مالیات از آنها گرفته شود زیرا ممکن است یک کسی که دارای هزار گوسفند است در یک شبانه پاه شب و روز تمام گوسفندانش بپرند و آن مالیات کردنش بماند و این صحیح نیست و باید راجع بآنها هر ساله میزب شود

شیخ الاسلام - بنده توضیحی دارم اجازه میفرمائید .  
رئیس - بفرمائید .  
شیخ الاسلام - چون آقای قمی یک چیزی فرمودند و آقای حاج شیخ اسدالله و جمعی دیگر تصدیق کردند عرض میکنم که البته این مملکت اسلامی است و بیت المال هم مال مسلمین است و آنها هم که از اول قراردادند و بنجفر مجتهد طراز اول قرار دادند بنجفر مجتهد طراز اول در مجلس باشند فمیده رای دادند و برای این بود که تمام قوانین مطابق شرع مقدس باشد و بابشان یاد آوری می کنیم که یکی از مصارف زکوات فی سبیل الله است و تمام مصارف مملکت اسلامی را می شود بر همین فی سبیل الله تطبیق کرد .

محمد ماشم میرزا تا گیرند اسکی باشد شیخ الاسلام - پنج نفر که اینجا نشسته و تصدیق کردند آنوقت هر کس بگیرد فرق نمی کند .  
رئیس - آقا این توضیح نبود که شما دادید آقای آصف الممالک ( اجازه )

آصف الممالک - عرض آقای قمی راجع باین مسئله این بود که در طریق میزب اگر با چاره خط و اسناد که مالک و مستاجر دارند مراجعه شود بهتر می شود میزب نمود به همین ترتیب هم دولت پیشنهاد کرده بود که مدرک را اظهار به مالکین و مستاجرین قرار دهند ولی راجع باین ترتیب در کمیسیون مذاکرات زیاد شده و دیدیم این ترتیب اسباب اختلاف می شود علاوه شاید یک ملکی هنوز با چاره نرفته باشد یا فرضاً اجاره نامه را آوردند و حد وسط آنرا مأخذ قرار دادیم آنوقت اگر بین مأمورین دولت و مالک اختلافی حاصل شد ناچار باید تجدید رسیدگی و میزب شود لذا برای اینکه اصلاً اختلافی حاصل نشود از اول قرار شد میزب برونه و میزب بکنند و این طریق را کمیسیون بهتر دانست ولی بتصور اینکه شاید گاهی اختلافی حاصل شود فرار شد که طریق رفع اختلاف هم در همین قانون ذکر شود و اما اینکه فرمودند

هفتاد کرور مالیات ارضی میشود بنده نمی بینم از روی چه مأخذ فرمودند ؟ زیرا همچو مدرکی که در دست نیست وهم چنین آقای شیخ الاسلام فرمودند سی و پنج کرور اورا هم ندانستم از روی چه مأخذ است زیرا اگر تصور میشود بعضی املاک مالیاتش کم است باید در نظر داشته باشند بعضی املاک هم هست که مالیاتش خیلی زیاد است و باید بعد از رسیدگی کسر شود میزب و تعدیل مستلزم همین است که یکجائی را کسر و جایی دیگر زیاد کنند و یک قاعده کلی بنویسند که شامل همه جا بشود و تصور میکنم دیگر مذاکرات در این خصوص چندان مورد نداشته باشد و اینکه آقای شیخ الاسلام راجع باملاک دیم و آبی فرمودند که باید تفکیک بشود و فرق گذاشته شود اگر چنانچه بلایه ملاحظه فرمائید راجع باملاکی که از قنات مشروب میشود مغارجش موضوع میشود ولی از املاک دیم و رودخانه آب مغارجی موضوع نمیشود . لذا بنده تصور می کنم اگر آقایان مطالعه بفرمائید طریق عملی غیر از این نیست

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله ( اجازه )  
حاج شیخ اسدالله - گمان نمی کنم هیچیک از آقایان مخالف بامیزب باشند ولی اگر اختلافاتی بشود و اظهاراتی میشود راجع باین قانون است که بعضی آن را ناقص می دانند و نظرشان این است که باید تکمیل بشود - این است که بنده هم بعنوان مخالفت عرض خود را می کنم .  
عرض بنده در این قسمتها که فراموش کرده شد نیست و عنوان زکواتها و غیره نیست - بنده این قانون را از این جهت ناقص میدانم که سالها است یک مالیاتی درای ان معمول شده یعنی یک مالیات نقدی و یک مالیات جنسی برای هر معالی معین شده و بعد هم برور زمان یا صرفه دولت بوده یا صرفه مالک مالیات جنسی در بعضی جاها تبدیل بنقدی شد و امروز یک میزان ثابتی برای مالیات نقدی و جنسی در دست نیست و در این قانون بنده هر چه مطالعه کردم از اول تا آخر دیدم بیشتر نظرش بجنس است و راجع بنقدی هیچ معلوم نیست چه معامله میشود ( بعضی گفتند راجع به نقدی هم معین شده است )

حاج شیخ اسدالله - بعد از این همه ما عرض میکنم یک تکلیفی در این قانون برای نقدی معین نشده است باز هم می گویم باز هم معینه کنید  
عماد السلطنه طباطبائی - ماده پنچرا ملاحظه بفرمائید  
حاج شیخ اسدالله - باز هم عرض میکنم ندارد

تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین شده باز عرض می کنم مالیات نقدی را در اینجا تشعیش نداده اند که از روی چه مظنه باشد آیا آنها عشر است ؟ در حالتیکه در مقابل مالیات صیفی نمی توان عشر معین کرد . و اگر مدار کشان تقدیم است آنها در هر سال مختلف می شود و نمیشود اصل ثابتی برای او پیش بینی کرد . این است که بنده عقیده ام این است که این قانون ناقص است و باید تکمیل شده و در آخر آن نوشته شود که بعد از وضع قانون میزب تمام مالیات هائی که معمول بوده منسوخ شده و معمول بشود و مالیات هائی بی ترتیب سابق از بین بروند . آنوقت مالیات جنس را از روی عشر تعیین کنند و نسبت بامالیات نقدی و صیفی هم یک میزان دیگری از روی تقویم و غیره در نظر بگیرند .  
آقا سید یعقوب - ماده هفدهم را ملاحظه بفرمائید نوشته شده است  
حاج شیخ اسدالله - کدام ماده را فرمودید  
آقا سید یعقوب - ماده هفدهم .  
حاج شیخ اسدالله - عینکرا زدم .  
این هم ماده هفدهم می گوید : ( هر معالی که مطابق مقررات این قانون میزب شده و نتیجه آن بموقع اجرا گذارده شود از مالیات سرشار و سربازی و خانواری و پادارانه و امثال آن و هم چنین هر گونه مالیات دیگری که جداگانه بتصوب مجلس شورای ملی نرسیده باشد بهر اسم و رسم معاف خواهد بود ) و این ماده ابتدا نسبت بامالیات نقدی قرار نیکنداشته و مسکوت عنه گذاشته است

( بعضی از نمایندگان - در ماده اول ( ماخذ مالیات املاک و اراضی مزروعی در املاک اربابی ( غیر خالصه انتقالی ) و اغنام و احشام در تمام مملکت ایران مطابق فقرات ذیل خواهد بود  
۱ - از املاک و مراتع جنگل های اربابی عشر عایدات متوسط خالص مالک اهم از نقد یا جنس ) در اینجا هم میزان نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که گمان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و نسبت بامادات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوهند بفرمائید مالیات نقدی که تابع مال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا

برای مالیات نقدی معین نمی کند مالیات نقدی که عشر نمی شود باید یکمیزان برای صیفی معین کرد چون از زمین پول که نمی روید . از زمین زراعت می روید . کند میروید . دولت هم مکلف است گندم بگیرد اما نسبت بمالیات نقدی چه معامله می کند؟ معلوم نیست و چون هر سال قیمتش کم و زیاد می شود باید تقویم بشود و بالاخره عرض می کنم این مالیات نقدی را از روی یک میزان عادلانه باید وضع نمود که همه ساله اسباب زحمت رعایا نشود باز تکرار میکنم در این قانون نسبت بمالیات نقدی یکممود واضح و روشن نیست که رفع اختلاف مالک و دولت را بکند

(بعضی از نمایندگان - خیر آقا اشتباه فرموده اید و لایحه را مطالعه نکرده اید) حاج شیخ اسدالله - خیر آقا هم گفتم اشتباه نکرده ام راجع بنقدی چیزی ندارد .

ان است عقیده بنده آقا میرزا محمد صادق طباطبائی - مخبر کمسیون قوانین مالدیه - بنده منتظر بودم تمام آقایان مخالفین مخالفت خود را اظهار کنند تا بنده بدانم نظر آقایان چیست؟ و یک مرتبه جواب عرض کنم . ولی پیش آمد مذاکرات طوری شد که بنده مجبور شدم قبل از اینکه همه آقایان صحبت کنند جواب این قسمت از فرمایشات آقایانی را که فلا حرف زدند عرض کنم اولاً اغلب آقایان همینطور که فرمودند لزوم وضع این قانون یعنی قانون ممیزی قابل تردید نیست پس وقتی دانستیم باوضع حاضر ما با همان استدلالاتی که گفته شد و با همان استدلالاتی که گفته نشد قانون ممیزی یکی از قوانین لازمه است آنوقت باید در طرز ممیزی داخل شویم و وقتی در طرز ممیزی وارد نشدیم باید تا اندازه که ممکن است طرز ممیزی را طوری قرار دهیم از روی یک اصول صحیحی باشد که هم مردم وهم دولت تکلیف خودشان را بدانند آنچه دولت باید بگیرد بگیرد آنچه نباید بگیرد مردم بدانند که نباید بدهند و ندهند بنابراین مالیات عشر قرار داده شد و دولت هم با کمسیون در عشر موافقت کرده عایدی هم عایدی است ام از جنس یا نقد و فرق نمی کند چون مالک دو قسم عایدی دارد یکی نقدی که از صیفی عایدی می شود و دیگری جنس است که از گندم و جو و شلتوک و غیره برداشت می کند .

در این صورت گمان می کنم محلی برای ایراد آقای حاج شیخ اسدالله باقی نمی ماند چون این قانون هر دو را اسم می برد هم نقد هم جنس و در ماده هفدهم هم همانطور که خودشان قرائت کردند تصریح دارد و تکلیف مالیاتهای سابقه را معین کرده و باز هم تکرار می کند در ماده اول صراحت

می گویم از املاک و مراتع و غیره عارضه عایدی متوسطه خالص مالک اعم از نقد و جنس و جای اشکالی هم باقی نمی ماند و ممیزی هم موافق همان اصولی که جنس ها را تشخیص می دهند تقدیر هم مطابق همان اصول تشخیص می دهند و در باب فرمایشات آقای شیخ الاسلام هم که اولاً نسبت بکمسیون اظهار لطف فرمودند البته همه اعضا کمسیون از ایشان تشکر دارند و آنچه راجع به غیر فرمودند این را مکرر بنده عرض کرده ام و باز هم عرض می کنم که مخبر یک وظیفه دارد که نظریه کمسیون را در مجلس دفاع و تأیید کند و عقیده شخص مخبر مدخلیت ندارد زیرا آن اختیارات قاهره را ندارد که بتواند شخصاً چیزی را رد یا قبول کند و اگر فرضاً مخبر یک ماده را در مجلس می پذیرد و یا اصلاح عبارتی را قبول میکند برای این است که مراجع بکمسیون داده و نظریات اعضا کمسیون را جلب کند . اگر دید کمسیون بآن پیشنهاد یا اصلاح عبارتی موفق است و تأیید دارد او را قبول می کند و الا رد می کند شخص مخبر در مجلس فقط باید نظریات کمسیون را تأیید و دفاع کند . ولی وقتی بکمسیون رفت و هم مثل یکی از اعضای کمسیون محسوب است و امتیازی بر دیگران ندارد . خود بنده بعضی از این مواد شاید یک نظر بانی داشته باشم ولی باین حال ناچارم نظریات کمسیون را دفاع کنم و مجبورم مطابق دلائلی که در کمسیون اظهار شد نظریات اکثریت کمسیون را در مجلس عرض و دفاع کنم و چون نظر خصوصی نسبت بنده اظهار فرمودند و خواستند نظریات ایشان را قبول و تصدیق کنم این هرا برایش را عرض کردم که بدانند این مسائل مربوط بشخص بنده نیست . بلکه آنچه هم بنده هم عرض می کنم تابع نظریات کمسیون است ولی البته اگر پیشنهاداتی شود که طرف توجه و قبول کمسیون واقع شود بنده قبول کرده و با آن موافقت خواهم کرد . راجع بنصاب شرحی فرمودند . اولاً حد نصاب را بطوری که فرمودند کمسیون در نظر گرفته و این مسئله را رعایت کرده که چون رعایا غالباً گوسفند های زیاد ندارند اگر اشخاصی باشند که چهار پنج گوسفند و بز ماده داشته باشند برای مصارف و یک خانواده معمولی رعیت لازم است آنها را از پرداخت مالیات معاف نموده ولی اگر فرضاً یک رعیت صدیا دوست گوسفند داشته باشد آنوقت او را در عالم خودش باید سرمایه دار و دارا فرض کرد و همینطور که مالک ملک از محصول خودش حصه بدولت می دهد او هم بنوبه خود باید یک چیزی بدولت بدهد البته مالک دوست یا با نصد گوسفند اگر چه اسمار معیت است ولی در حال چون دارای سرمایه است و بهر می برد باید سهمی بدولت بدهد

با اینکه در لایحه دولت ماده گاهم مستثنی نبود مع هذا کمسیون بکراس ماده گاورا که برای احتیاجات خانوادگی یک عائله لازم است از پرداخت مالیات مستثنی کرده است زیرا ممکن است یک رعیت یک گاو ماده داشته باشد و بز و گوسفند نداشته باشد و ممکن است احتیاج خانوادگی او را الزام بداشتن یک رأس گاو ماده کرده این است که یک رأس گاو ماده راهم علاوه کردند راجع بتفاوت انواع زراعت شرحی فرمودند اولاً آن قسمتی که دیمی است و آب نمی خواهد آن راهم دولت هم کمسیون هیچ نوع خرجی نیست با قبول نکرده و همان یک عشر را برای مالیات قرارداد اند و با استثنای بندش دیگر هیچ گونه خرجی برای آن قائل نشدند زیرا حقیقتاً زراعت دیمی خرجی ندارد اما آنچه راجع بزراعت آبی است آنهم همانطور که فرمودند با از قنات است یا از رودخانه آنهم ملاحظه خرجش را کاملاً کرده ایم یعنی برای مالکی که از قنات و رودخانه مشترک آب بخورد یک عشر و نیم و تقاطعی که از رودخانه مشروب می شود یک عشر مخارج منظور شده علاوه کمسیون مالیات رودخانه راهم که معمولاً باید بدو نهم مستثنی کرده و جزو مخارج آورده است در این صورت اگر دقت فرمائید ملاحظه خواهد فرمود بقدریکه برای دولت ممکن است بین انواع زراعت تفاوت بگذارد فرق گذارده شده ولی آن تفاوت اصلی که حقیقتاً باید منظور شود قبل از ممیزی علمی ممکن نیست و ما هم فعلاً برای ممیزی علمی قانون نمی نویسیم و تقریباً همان ممیزی قدیم است که قدری او را اصلاح کرده ایم برای اینکه هر چه زودتر تکلیف مردم و دولت معلوم بشود و عیال آنها نسبت به ممیزی علمی برای دولت فراهم نیست البته هر وقت وسائل ممیزی علمی و وسائل فنی برای دولت فراهم شد البته دولت شروع به ممیزی علمی خواهد کرد و آنوقت یک قانونی غیر از این قانون به مجلس پیشنهاد خواهد شد و البته آنوقت تفاوت انواع زراعت ها را دولت بهتر می تواند مورد نظر قرار دهد ولی حالا اگر بخواهیم بیشتر از این در این موضوع دقت بکنیم عملی و ممکن نیست چنانچه خود حضرتعالی هم یک نظریه در این خصوص پیشنهاد نکردید چرا؟ برای اینکه خیلی مشکل است و اگر اطلاع داشته باشید می دانید کمسیون متجاوز از شش ماه است در روی این قانون کار می کند و صرف نظر از جلسات عادی جلسات فوق العاده هم تشکیل داده علاوه همان طور که در مقدمه راپورت نوشته شده کمسیون در هر جا اشخاص مطلع و بصیری سراغ داشته دعوت کرده از آنها استطلاع نموده و بالاخره نتیجه تمام مشورتها و دقت نظرها این راپورت است که تقدیم مجلس شده بعضی مطالب هم هست که ممکن

است نظراً یک اختلاف و نواقصی داشت باشد و بشود در اطراف آن مرتفع شود و وقتی در اساس دقت فرمائید ملاحظه خواهید فرمود که بیش از این ممکن نیست و برای کمسیون مقدر نبوده است فرق بگذرد . مسئله سی پنج کروری هم فرمودند این یک مسئله فرضی است و هیچ نوع در مقابل آن اظهار نفرمودید اگر نظر تان این است که بعضی املاک از عشر کمتر مالیات می دهند تصور می فرمائید در موقع ممیزی تجاوز می کند املاکی که حالیه زیاد تر از عشر می دهند در آن وقت مطابق این قانون کسر خواهد شد اگر از بعضی زیاد می شود و در عرض از فستی کسر خواهد شد آنوقت اسم این را نمی شود ظلم گذاشت بلکه این ترتیب عدالت واقعی است . و اگر غیر از این باشد بعضی آن نظریه حضرتعالی را قائل شویم آنوقت ظلم خواهد بود . علاوه غیر از این یک شکل منظمی نمی شود برای مالیات اتخاذ نمود . و اگر غیر از این باشد همین مشکلاتی که در تقاضای مختلفه مالکیت موجود است بحال خود باقی خواهد بود و مشکل عملی هم پیدا خواهد کرد و نمی شود ممیزی ملاحظه کند که اگر یک مالیات دو برابر می دهد او را نصف کند ولی یک نقطه که هیچ نمی دهد او را انگبرد . ناچار باید گفت فلان مبلغ را دولت میزان مالیات قرار بدهد و اگر کسی مالیات نمی دهد یک عشر از او دریافت شود و اگر نیم عشر می دهد نیم عشر دیگر هم علاوه بدهد و این هم هیچ گونه تعدیلی نیست زیرا مالک ملک پس از وضع مخارج باید از محصول خود چیزی بدولت بدولت بدهد و مقصود هم همین است که یکی کمتر ندهد و یکی زیادتر . راجع باینکه آقای فنی اظهار فرمودند رجوع بصورت حساب و برداشت محصول یا اجاره نامه مالکین بشود ملاحظه فرمائید این مسئله چقدر مشکل است و تا چه درجه ما را دچار محذور خواهند کرد .

اولاً نمی شود بصورت حساب یا اجاره نامه اعتماد کرد . زیرا بسا اوقات هست مالک برای این که میزان اجاره بهیچ یک از این دو صورت مسئله حل نشد اجاره در اجاره نامه می افزاید آنوقت کسری را در خارج بمستاجر فنی می دهد . علاوه وقتی شما بممیزین گفتید بروند عایدات املاک را معین کنند و مخارجش را هم مطابق آن صورت معین کنند البته در ضمن به خیلی چیزها رسیدگی خواهد شد و ممکن است با اجاره نامه و صورت حساب راهم رسیدگی کنند با تحقیقات محلی بکنند ولی اگر تنها بخواهند این مسئله را ملاحظه فرمائید . هیچ وقت عملی نخواهد شد و دیگر این که اگر هم موافقت شود باید فرمائید

موافقت شود باید فرمائید

خواهد از احشام مالیات بگیرد باید تقریباً یک نهم از ملک را از مالیات معاف دارد زیرا یک قسمت مهم مملکت که از حقوق اجتهاد و تاسیسات مملکتی بهره مند و نفع می شوند عشایر مملکت هستند که یک نهم اهالی و ساکنین مملکت محسوب می شود و بیشتر از همه اغنام و احشام دارند و مالیات آنها بیشتر از اغنام و احشام است و اگر تصویب می فرمائید تمام اغنام احشام متعلق بقراه است این طور نیست زیرا اغناس هستند که دارای چهل پنجاه هزار گوسفند و گاو و در همین نزدیکی طهران در زمان ندران و گیلان هستند و همه دارائی آنها گاو و گوسفند است و خیلی مشمول نژاد مالکین اراضی هستند . در باب نقدی هم همانطور که عرض کردم کاملاً رعایت نظر آقای آقا حاج شیخ اسدالله شده و بالاخره قانون ممیزی امروز طرف احتیاج غالب مردم است و چنانچه اظهار فرمودند مالکین متصل در مقام شکایت هستند و اغلب وقت مجلس صرف شکایات آنها میشود و بعضی از مالکین هم هستند که حقیقتاً از همه ادای مالیات خود بر نمی آیند و متصل تقاضای رسیدگی و ممیزی می کنند و دولت هم منتظر است تکلیف خود را در باب ممیزی هر چه زودتر بر بداند و از طرف دیگر تأخیر تصویب این قانون خسارتی بر مملکت وارد خواهد نمود زیرا املاکی جدید التاسیس هستند و از پرداخت مالیات استنکاف دارند در حالی که استمداد پرداخت مالیات را دارند باید تکلیف آنها هم زودتر معین شود بنابراین عقیده بنده این است که آقایان محترم یک توجه مخصوص باین مسئله ممیزی فرمائید و یک قدری تفصیل کنند که این قانون هر چه زودتر بگذرد و اگر یک نظریات حقیقی نسبت باساس مسئله یا مواد قانون دارند بنده تصور می کنم خوب است مجلس را زیاد معطل نکنند و چون کمسیون برای پذیرفتن آقایان حاضر است ممکن است آقایان تشریف بیاورند آنجا و نظریات خودشان را اظهار فرمائید . از دو حال خارج نیست یا کمسیون را متقاعد می کنند یا متقاعد میشوند و اگر بهیچ یک از این دو صورت مسئله حل نشد آنوقت نظریات خودشان را در مجلس اظهار فرمائید . در هر حال خوب است وقت مجلس را پیش از این صرف این قانون نکنند که زودتر هم تکلیف مردم وهم تکلیف دولت معین شود

**رئیس** - رأی می گیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمائید

**رئیس** - معلوم میشود مذاکرات کافی است . رأی می گیریم که در مواد شور شود یانه ؟ آقایانی که تصویب می کنند در محصولات معین نبود . دولت در نظر دارد

(اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد ماده اول قرائت میشود .

(بعضیون ذیل قرائت شد)

مأخذ مالیات املاک و اراضی مزروعی و املاک اربابی (غیر خالصه انتقالی) و اغنام و احشام در تمام مملکت ایران مطابق فقرات ذیل خواهد بود

۱ - از املاک و مراتع و جنگلهای اربابی عشر عایدات متوسطه خالص مالک امم از نقد یا جنس

۲ - از احشام و اغنام از قرار ذیل

۱ - از عشر کلانی که کمتر از ۳ سال نداشته باشد در سال دوازده قران

ب - از مادیان رمه که کمتر از ۳ سال نداشته باشد پنج قران

ج - گاو ماده شیر ده در سال پنج قران

د - میش و بز ماده شیر ده یک قران

۳ در قراه فقط از کاروانسرا هایی که اجاره سالانه آن بیش از سی تومان است از مازاد بر سی تومان و از طواحین و آبدنک ها از یک کلبه عایدات صدی پنج قران

**رئیس** - در مقدمه ماده اول کسی حاج سید محمد باقر دست

**شیب** - در اصل ماده بنده عرضی دارم

**ارباب کیخسرو** - بنده عرضی دارم .

**رئیس** - در مقدمه

**ارباب کیخسرو** - بله

**رئیس** - بفرمائید

**ارباب کیخسرو** - بنده خواستم از آقای مخبر سؤال کنم برای خالصجات غیر انتقالی که در این ماده ممیزی کرده اند چه نظری گرفته اند ؟ و چه صورتی خواهد داشت ؟ برای این که این قانون ممیزی که وضع میشود کلیتاً برای رفع اسجانات است می خواستم بدانم در این خصوص چه نظری اتخاذ کرده اند که در نتیجه اسباب آسایش و یاورند آنجا و نظریات خودشان را اظهار فرمائید . از دو حال خارج نیست یا کمسیون را متقاعد می کنند یا متقاعد میشوند و اگر بهیچ یک از این دو صورت مسئله حل نشد آنوقت نظریات خودشان را در مجلس اظهار فرمائید . در هر حال خوب است وقت مجلس را پیش از این صرف این قانون نکنند که زودتر هم تکلیف مردم وهم تکلیف دولت معین شود

موافقت شود باید فرمائید

نسبت با مالک هر کسی که شکایت داشته باشد ممیزی بشود و کلیه محصول بالنصافه بین دولت و مالک تقسیم گردد دو مطابق آن قانون که بعد از کمسیون خواهد گذاشت و بنظر آقایان هم خواهد رسید این مسئله تعیین خواهد شد و در صورت او بکلی از موضوع املاک اربابی جدا است ولی چون ممکن بود لفظ اربابی شامل خالصجات انتقالی هم بشود از این جهت کلمه (غیر خالصه انتقالی) نوشته شده که این ماده شامل او نشود . و اماراجع باغنام و احشام که فرمودند شامل اغنام و احشام خالصجات انتقالی میشود یانه ؟ ملاحظه می فرمائید جمله (غیر خالصه انتقالی) بعد از لفظ املاک اربابی در بین الهالین نوشته شده و بعد از احشام و اغنام نوشته شده است . این برای همین است که این ماده شامل احشام و اغنام خالصجات انتقالی هم بشود و فقط خالصجات انتقالی مستثنی است ولی اگر اغنام و احشامی در خالصه انتقالی باشد این ماده شامل آنها هم خواهد شد

**رئیس** - آقای دست غیب راجع بمقدمه است

حاج سید باقر دست غیب - خیر راجع باصل ماده است

**رئیس** - آقای حاج میرزا علی محمد چطور

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - بنده هم راجع باصل ماده عرض دارم

**رئیس** - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - این توضیحی که آقای ارباب خواستند و آقای مخبر جواب فرمودند بنده کاملاً تفهیم میکنم تکلیف خالصه انتقالی چه چیز است آیا اربابی است یانه ؟ بنده مقصود را تفهیم میکنم

**رئیس** - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده هم در اصل ماده عرض دارم و در مقدمه عرض ندارم

**رئیس** - آقای همدان السلطنه (اجازه)

همدان السلطنه - بنده موافقم

**رئیس** - آقای محقق العلماء (اجازه)

محقق العلماء - بنده هم در ماده عرض دارم

**رئیس** - آقای حاج میرزا مرتضی حاج میرزا مرتضی - بنده هم در ماده عرض دارم

**رئیس** - قسمت اول قرائت میشود (بعضیون ذیل قرائت شد)

۱ - از املاک و مراتع جنگلهای اربابی عشر عایدات متوسطه خالص مالک امم از نقد یا جنس

موافقت شود باید فرمائید

دوره چهارم

**رئیس** - (خطاب بدست غیب) اظهار جناب عالی راجع باین قسمت است؟

**حاج سید محمد باقر** - بله

**رئیس** - بفرمائید

دست غیب - این مالیاتی که فلا گرفته می شود با هیچ قانونی از قوانین عالم اهم از قانون شرع یا سایر قوانین مطابقت نمی کند و این مالیاتی که فلا می گیرند یک ظلمی است نسبت بمردم . در زمان استبداد بوجوب دلخواه یک عده رفته اند یک ممیزی کرده اند و اشخاصی که بدر بار سلطنت نزدیک بوده دست رسی بمقامات عالی داشته اند از آنها کمتر می گرفته اند ، مثلاً یک شخص متنفذی که در جوار یک شخص فقیر ملک داشته مالیات او بر ملک آن ضعیف تعدیل می شد چون این مالیاتی که گرفته می شده بنده یک ظلم فاحشی می دانم از این جهت بنده این افتخار را برای دوره چهارم تقبلیت می دانم که دوره چهارم یک کمک و همراهی باقراه و ضمه کرده و تعدیل مالیات می کند . البته معلوم است اگر این ممیزی بشود مالیات اگر بالغ بر هفتاد و سی و پنج کرور نشود ولی مسلم است عایدی دولت خیلی بیشتر از این خواهد شد . زیرا حالا رشته مالیاتی یک رشته ظلمیه است و آنوقت پنج رشته باده رشته خواهد شد و بدیهی است زیادتر از این که حالا هست می شود اماراجع بمخالفین و اشخاصی که اظهار مخالفت کردند معلوم است با اصل ممیزی کسی مخالف نیست . اما راجع باصل عبارت که تقریباً بفرمایش آقای حاج شیخ اسدالله معلاتی بر می خورد گمان می کنم اگر درست توجه فرمائید که این جا نوشته نقدی و جنسی . ایران مالیات نقدی ندارد بواسطه این که پول از زمین نمی روید که دولت از او مالیات بگیرد بلکه همان جنس است که بدالیات نقدی تعبیر می کنند و چون محصول را دو قسمت کرده اند شتوی و صیفی شتوی عبارت است از گندم جو و غیره و صیفی عبارت است هندوانه و خربوزه جزوبات و چون از دولت سهم خود را از هندوانه مبدل بیول کرده و مالیات نقدی می گیرد پس اساساً مالیات نقدی غلط است و این همان مالیات جنس است که بصورت پول نقد در آمده است . والا اصلاً مالیات نقدی اصطلاح خارج از موضوعی است این است که بنده عرض می کنم اصطلاح نقدی غلط است تا وقتی می خواهید طرز مالیات را بر هم بزنید خوب است این عبارت و اصطلاح غلط را اصلاح کنید . این یک اصطلاحی است که مالیه اشتباه کرده و بدون این که جسارت کرده باشم عرض می کنم مالیه

موافقت شود باید فرمائید

سابق نفهیده و این اصطلاح را معمول کرده است پس چنانچه عرض کردم این مالیات نقدی عین سهم دولت از صیفی و ماش و حیوانات است که بشکل پول نقد در آمده است و بنده این عبارت را غلط می دانم و پیشنهادم کرده ام

**رئیس** - آقای حائری زاده مخالفند ؟

**حائری زاده** - بلی

**رئیس** - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی

**حاج میرزا علی محمد دولت آبادی** - بنده هم مخالفم

**رئیس** - آقای ممتازالتجار

**ممتازالتجار** - عرض بنده راجع بقره درود است

**رئیس** - آقای حاج میرزا عبدا الوهاب

**حاج میرزا عبدالوهاب** - بنده هم مخالفم

**رئیس** - آقای عمادالسلطنه طباطبائی

**عمادالسلطنه طباطبائی** - بنده موافقم

**رئیس** - بفرمائید

**عمادالسلطنه طباطبائی** - فرمایند

**آقای دست غیب** - بنده هم موافقم

**سابق از روی اساس صحیح** - بنده عرض می کنم این طور نیست بلکه تمام از روی نهایت احتیاط و عدالت بوده است و معمول بوده در هر سی سال چهل سان یک مرتبه میزی می کرده اند و میزی هم از روی احتیاج بوده همین طور که ما امروز محتاج میزی هستیم چنانچه خود حضرت عالی هم لزوم میزی امروزه را فرمودید . بنده فرمودید حالا یک رشته است بعد چند رشته خواهد شد هم چون نیست بلکه تمام یک رشته است منتهی در نقاط متفاوت است . بعضی املاک است که از هفتاد سال قبل تا حالا میزی نشده و بعضی ها است که از شصت سال پیش تا حالا میزی شده آن وقت آباد و حال خراب شده است در این صورت دولت نباید از او مالیات بگیرد بعضی املاک دیگر است که در چهار سال پیش بوده و حالا دائر و آباد شده از آن ها باید مالیات بگیرند چنانچه در شهری ۱۰۰ یا دو سست املاک جدید النسق هست که از آن ها مالیات نمی گیرند و از آن ها باید مالیات بگیرند اینک می فرمایند مالیات نقدی غلط است

**بنده تعجب می کنم** - سابق بر این میزی می کردند و یک مالیاتی از بابت گندم و جو و غیره همین می کردند که باید مالک بداند و یک مالیاتی هم از بابت تریاک بنده و غیره همین می کردند و همین می کردند

وقت قرار می گذارند سالی صد تومان از این بابت بدهد آیا غیر از این که اسم این مالیات را در مقابل جنس نقد بگذارند اسم دیگری هم ممکن است بگذارند اگر حضرت عالی یک اسم دیگری می دانید خوب است بفرمائید

**رئیس** - آقای حائری زاده ( اجازه )

**حائری زاده** - بنده حقیقتاً امروز را یکی از روزهای سعادت و خوش بختی این ملت می دانم که مالیات کج و معوج قدیمی را بیک صورت صحیحی بیرون می آورند اخذ مالیات در قدیم ترتیب صحیحی نداشته در زمان نادر شاه حکام را بطور مطلقه می فرستادند و آن ها از ولایات مبلغی مطالبه می کردند آن ها مهر بر ش سفیدان و و کتخدانان و نایب الیکومهارام امور مطالبه مالیات میکردند . بدمم که میزی شدن آن ترتیب سابق را تا درجه جرج و تعدیل کردند نه اینکه اساساً یک نظر صحیحی اتخاذ کرده باشند و دلیل اینکه سابقاً یک ترتیب اساسی در کار نبوده این است که یک قنات و پنج ساعت آبش بکلی مالیات ندارد و شش ساعت ساهتی یک تومان و ده ساعت دیگر را ساعتی دو تومان می گیرند و بقیه را ساعتی چهار تومان چرا برای اینکه پنج ساعت شخص قوی بوده و از دادن مالیات معافیت جسته است و مالک شش ساعتی یک تومان می داده طبعاً متنقدر از ساعتی چهار تومان بوده است و بهمین ترتیب کم و زیاد مالیات از یک قناتی می گرفته اند در صورتی که آب قنات در ساعت تفاوت ندارد و پنج ساعت و چهار ساعت در مابقی فرق بایکدیگر ندارند و یکی است .

**این فقط بواسطه قدرت وضع مالکین بوده است** . فرض اینست که سابقاً ترتیب خوبی نداشته و این قانونی که امروز وضع میکنیم اگر حقیقت عدالت را در نظر نگرفته باشیم باز از آن ترتیب سابق بهتر است و تا حدی از اجحافات جلو گیری میکنند ولی چیزی را که بنده مخالفم راجع بیک کاسه کردن مالیاتها است در این لایحه مالیات املاکی که با آب قنات مشروب میشود با ملکی که از آب رود خانه مشروب می شود هر دو را یک هشر مالیات قرار داده اند . حالا ممکن است آقایان مرا مراجعه بمانده بروم بدهند و بگویند برای مخارج قنات دو عشر کسر میکنند بنده عرض میکنم دو مخارج است یک مخارج تأسیس قنات است و یک مخارج استدا قنات مخارج استدا همین ترتیب است که آقایان پیشنهاد کرده اند ولی مخارج تأسیس یک قنات که چهار فرسخ تا پنج فرسخ آب رود دارد باید یک قناتی که یک فرسخ طول دارد البته فرق میکند . مثلاً برای تأسیس یک قنات صد هزار تومان خرج شده و یک کرور کارگر زحمت کشیده ولی

حاج میرزا علی محمد بنده میفرماید

**رئیس** - بفرمائید

**حاج میرزا علی محمد دولت آبادی** - در کمیون مطلبی مطرح شد . بنده از نظر انعقاد و حالا باید خاطر آقایان مسبق شود . و آن این است که نسبت تریاک و تنباکو که مالیات مخصوص دارد نظر کمیسیون این بود که آنهارا جزو عایدات نقدی نیارود . چون مالیاتی که بر تریاک وضع شده نسبت بعایدات او فوق العاده است و چنانچه باز علاوه مالیاتی وضع شود فون العاده مضر خواهد بود و همین نسبت تنباکو مقصود این است که این مطلب در کمیسیون مذاکره شده ولی در این راپورت نوشته نشده و در شورائی باید ماده وضع شود که کلیه عایداتی که در این قانون نوشته شده شامل تریاک و تنباکی نیست

**رئیس** - آقای زنجانی ( اجازه )

**آقای اشیر ابراهیم زنجانی** - بنده بعضی سؤالات دارم که می خواهم توضیح بدهند . در خصم عرض کنم **رئیس** - در قسمت اول ؟ **زنجانی** - بلی **رئیس** - بفرمائید

**زنجانی** - این جا این طور ذکر شده ( عایدات متوسطه خالص مالک ) ما می دانیم که در کلیه ولایات عایدی بین مالکین و رعایا تقسیم میشود و کلیه مالیات بر عهده رعیت است چون عوائد محصول را کلیه پنج قسمت می کنند باین معنی که یک قسمت برای بذریک قسمت برای مانک یک قسمت برای گاو یک قسمت برای زمین و یک قسمت برای عامل اگر بذر گاو را رعیت بدهد از آن حاصل چهار قسمت رعیت می برد و یک قسمت مالک مالیات را هم رعیت باید بپردازد عرض کردم یک وقت در مجلس دوم راجع باین تقسیمات کمیسیون شده و اشخاصی هم که متخصص در ماله بودند حاضر شدند اساس مالیات و تقسیمات ملکی را در ایران کلیه پنج قسمت تقسیم کردند ولی بعد تغییراتی برای آن قائل شدند مقصود این است که عایدات ارضی را پنج قسمت تصور کرده اند قسمتی که هواری دولت بر آن تعلق میگیرد یعنی یک قسمت زمین یک قسمت عامل یک قسمت عوامل و یک قسمت هم مالک . حالا آن قسمتی را که مخصوص هواری دولت است هر کس بر باری مالیات را بپردازد البته در صورتی که مالک هواری اصل را اتخاذ کردیم عملیات سابق خواهد شد ؟ در صورتی که علاوه بر این مالیات مالیات پنج یک را هم بنده البته تعدیل خواهد بود

**وزیر مایه** - ایراد آقای زنجانی در حقیقت وارد است و این چند ماهی هم کمیسیون قوانین مالیه این قانون را

کرده فقط برای رفع همین اشکالات بود اما راجع ببیزی بنده برخلاف آقایان که می فرمایند میبزی قدیم بدون ترتیب و بی رویه بوده عرض می کنم میبزی قدیم از اساس صحیح بوده ولی متأسفانه تمام آن جهات و دلائلی که برای صحت او موجود بوده که هنوز هم شاید نتوانند آن ها را کشف کنند که اساسش چه بوده مثلا در بعضی جاها می گویند جمعی سی و هفت دینار که وقتی حساب می کنند شصت تومان در می آید و معلوم نیست اساسش از روی چه ماخذ بوده همان طور که آقای زنجانی فرمودند در قسمت زنجان و گروس و تبریز عایدات را بی پنج قسمت کرده اند سه قسمت را رعیت میرسد یک قسمت مالک و یک قسمت آن هم بعنوان دولت است در بعضی جاها اگر آن قسمت را رعیت برد او مالیات می دهد و اگر آن دو خمس را مالک برد مالیات را مالک می دهد و آن یک خمس را بابت مالیات محسوب می دارد در هر صورت امروز بواسطه تربیاتی که در املاک پیدا شده میزان مالیات نسبتاً تغییر کرده و هر کس آن یک خمس را برد مالیات را اومی دهد در آذربایجان یک عشار از کل محصول را برای دولت و یک عشر برای مالک و هشت عشر دیگر بر رعیت میرسد اما حالا تمام این ترتیبات تغییر کرده کمیسیون قوانین در عرض این چند ماه مطالعات عمیق کرده نمایندگان ایالات و ولایات را در کمیسیون دعوت کردند و اشکال مختلف را در تحت نظر آوردند ابتدا بخبال افتادند که میزان مالیات را بدون اینکه داخل تقسیمات کردند ماخذ کل عایدات قرار بدهند ولی بیک معطوراتی بر خوردند که ممکن نشد بالاخره برگشتیم به سهم مالک و دیدیم این ترتیب از همه صحیح تر است زیرا تقسیمات ارضی از حیث رعیت و اربابی در ایران یک اساسی دارد که از هیچ نقطه عالم نظر ندارد یعنی اساسی است

که همه ملل بعد از ترقی و رسیدن بانتهای درجه دمکراسی یا سوسیالیستی تازه باید بیک چنین شکلی برسند

زیرا در ایران رعیت مزدور نیست بلکه با مالک شریک الملك است و مالک باید او را حفظ و نگاهداری نماید تا در ملکش بماند مالیات هم تعلق به سهم مخصوصی مالک می گیرد در قسمتهای زنجان و گروس چون مالیات بهمدر رعیت بوده تبصره رسید ترتیبی داده شود و شاید تا شور و اصلاح خودد چون اگر کمیونیم مالیات از سهم مالک باشد تعدیل باریاب میشود

چون در هر معنی بین خودشان یک معامله میکنند ما هم نمیخواهیم داخل در تقسیم سهم ارباب و رعیت بشویم زیرا قسمت مالیاتی تعلق بر رعیت میگیرد

بنابراین باید تصمیمی اتخاذ کرد که در معملاتی که مالیات بهمدر رعیت بوده میزان مالیات را بهمدر مالک گذارند

یک قسمتی آقای دست غیب فرمودند که مالیات نقدی صحیح نیست و غلط است بنده عرض میکنم برخلاف باید مالیات نقد باشد و از عایدات محصور باشد

یعنی آنچه را که از زمین برداشت نموده بفروشد

پس از موازنه دخل و خرج آن از حاصل آن نقداً مالیات گرفته شود و البته اگر مصادف با مشکلاتی نمی شدیم گندم و جو هم نقد می کردیم

یعنی می گفتیم آنها هم باید تغییر شود ولی عیالنا تا یک مدتی شاید این ترتیب فعلی هم برای دولت و هم برای رعیت سهلتر باشد والا مالیات باید از حاصل عمل بعد از فروش از وجه نقدی که بدست هر کس می آید گرفته شود ولی باین جهاتی که عرض کردم گندم و جو و شلتوک را چینی و مابقی مالیاتها را نقدی کرده اند زیرا از هندوانه و خربوزه و سایر صیفی ها نشود همین جنس دریافت داشت و علاوه ما چون با مالک طرف هستیم و او هم نقد میگیرد لذا ما هم از مالک نقد می گیریم نه عین چینی را اما امیدوارم بتوانیم در آینده نزدیکی کلیه مالیات چینی را موقوف کنیم و تمام را بمثل نقدی نماییم اما راجع بیک هشر و نیم عشر که بعضی از آقایان فرمودند عرض میکنم مالیات باید در تمام مملکت یک شکل واحدی داشته باشد یعنی باید بگوئیم هر کس از عایدات خالص خود یک عشر بدهد

ولی معلوم است در تعیین عایدات خالص شروطی دارد که نسبت به همه املاک یکی نیست

مثلاً برای املاکی که با آب قنات مشروب میشود دوشهر و املاکی که از آب قنات ورود خانه مشروب میشوند یک هشر و نیم و نقاطی که از آب رودخانه مشروب میشوند یک هشر مخارج منظور شده حالا اگر سرکار این مقدار را کم می دانیم ممکن است در موقع پیشنهاد بفرمائید سه عشر چهار عشر منظور شود

ولی بالاخره باید یک عایدات خالص برای مالک قائل شد و هشر او را گرفت در تمام مملکت مالیات بیک ترتیب واحد بر عایدات خالص باشد

اما اینکه راجع بخرج تأسیس قنات فرمودید این مخارج یا راجع بگذشته است یا در آینه قناتی تأسیس خواهد نمود آنچه راجع بگذشته است البته فوائد آن را هم برده است ولی راجع بخارجی که بعدها میشود در همین لایحه نوشته شده که هر وقت چنین مخارجی پیش آمد تا هشت سال معاف خواهد بود یعنی اگر کسی خرجی

برای تأسیس قناتی کرد دولت بابت مالیات تا هشت سال از او چیزی مطالبه نخواهد کرد ولی بعد از هشت سال که فواید خودش را از آن قنات برد البته یکی از عایدات معمولی محسوب شده و بآن مالیات تعلق خواهد گرفت

بنابراین بطور کلی این ملاحظاتی تماماً در موقع خود مراعات شده و اشکالی در این لایحه نیست

**رئیس** - چند دقیقه تنفس میشود در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید

**رئیس** - بقیه مذاکرات در لایحه میزی عمومی بجلسه آینده موکول میشود

بالفعل طرح قانونی الحاق ابرقویه به یزد مطرح است راپرت کمیسیون داخله که محتوی در ماده بود بمضمون ذیل قرائت شد

**ماده اول** - مجلس شورای ملی انفصال ابرقویه را از حوزه حکومتی اصفهان و الحاق آنرا به حوزه حکومتی یزد تصویب می نماید

**ماده دوم** - وزارت داخله مکلف است از تاریخ تصویب این قانون الی سه ماه و سائل ضمیمه شدن ابرقویه را به یزد فراهم سازد

**رئیس** - آقای آقا سید یعقوب ( اجازه )

**آقا سید یعقوب** - بنده می خواستم عرض کنم قوانینی که از مجلس می گذردو بهیئت وزراء رجوع می شود باید بموقع اجرا گذارده شود تا آقایان وقتی زحمت می کنند و یک قانونی وضع می کنند بیهوده نباشد برای تذکاد خاطر آقایان عرض میکنم قانون راجع بنمایندگان سیاسی مدتی است از مجلس گذشته و بنده چیزی از اجرای آن نشنیده ام این قانون انفصال ابرقویه از اصفهان را هم مجلس رأی می دهد و شاید بعد از مدتی از وزارت داخله خبر بدهند که مبالغی خرج دارد تا محاکمات را از این دفتر خارج نمایند و بدفتر دیگر انتقال بدهیم . بنده خواستم از مقام ریاست تقاضا کنم که مقرر دارند قوانین که از مجلس می گذرد در موقع خود آقایان وزراء حاضر شوند تا اگر نظری دارند اظهار کنند که بعد از گذشتن دیگر در بوجه اعمال گذارده نشود و تعقیب شود تا زحمات ما بهتر نرفته باشد

**رئیس** - آقای حائری زاده ( اجازه )

**حائری زاده** - آقای آقا سید یعقوب مخالف این پیشنهاد نبودند تا بنده موافقت خود را اظهار کنم لیکن برای این

که خاطر نمایندگان محترم کاملاً مسبق باشد و از روی بصیرت رأی داده باشند لازم می دانم علت پیشنهاد خود را که مورد توجه مجلس واقع شده و نماینده وزارت داخله هم موافقت کرد عرض کنم . موفقیت شهر یزد طوری است که چهار ماه بیشتر آذوقه خود را نمی تواند تهیه کند و برای آذوقه بقیه سال مجبور است از ایالات و ولایات اطراف آذوقه حمل نماید این است که اهالی یزد در موقع تنگی بزمتم خواهند افتاد زیرا جنس را بایستی از ابرقویه بیآورند و ممکن است حکومت اصفهان یک نظریاتی داشته باشد و مانع از حمل جنس شود بعلاوه ابرقویه بلوکی است که روابط خیلی زیادی با اصفهان ندارد مأمور اصفهان که بشواید ابرقویه بیاید بایستی سی فرسخ از خاک فارس عبور نماید تا ابرقویه برسد در صورتی که ممکن است یکی دو ماه آذوقه یزد را ابرقویه بدهد و وقتی ابرقویه آباد شود بالطبع عایدات دولت هم زیاد می شود بعلاوه ابرقویه یک محلی شده است برای سارقین فارس باین معنی که اشرار فارس از خاک ابرقویه می آیند و ممکن است یک عده زیادی باشند و بلوکات اطراف آن جارا غارت نمایند تا بحال سرقتهائی که در آن معمل شده حکومت اصفهان چندان تعقیب نکرده است زیرا از خاک اصفهان دور است و حکومت یزد هم تا بشواید بطهران و مرکز اطلاع دهد سارقین از آن حدود فرار کرده اند ولی اگر ابرقویه ضمیمه یزد شود و منزل آن جا حکومت یزد باشد این قبیل نا امنیها اتفاق نخواهد افتاد باین نظریات بنده پیشنهاد کردم ابرقویه ضمیمه یزد شود و اینکه آقای آقا سید یعقوب می فرمایند دولت هم باید موافقت خود را اظهار نماید بنده عرض می کنم در موقعی که طرح قانونی در مجلس مطرح بود نماینده وزارت داخله هم حضور داشت و اظهار موافقت کرد و در کمیسیون داخله هم مذاکره و تصویب شد

بنابراین گمان نمی کنم دیگر مخالفی باشد خوب است در این خصوص رأی بگیریم

**رئیس** - آقای کا زرانی ( اجازه )

**آقا میرزا علی کا زرانی** - بنده موافقم که ابرقویه از اصفهان مجزی شود زیرا بهیچ جهتی از جهات با اصفهان مناسبت ندارد ولی ضمیمه شدن آن را بیزد مخالفم زیرا اگر یک نظر دقیق در وضعیت و احوال مردم ابرقویه نمایم می بینم ابرقویه در حدود داخله

فارس است بملاوه بهمان دلالی که آقای حائری زاده فرمودند اصلاح ابرقویه و مفاسدی که با وارد می شود از طرف فارس است

و اگر چنانچه بغواهییم رفع مقصد از آنجا کرده باشیم مجبوریم ابرقویه را منضم بفارس نماییم آقایان عقیده شان این است که تحریکاتی که بر علیه ابرقویه می شود از ناحیه فارس است اگر چنانچه عقیده آقایان مطابق با واقع باشد آنوقت رفع آن منحصراً این است که ابرقویه منضم بفارس باشد زیرا

اگر حکومت ابرقویه از طرف ایالت فارس معین شود دیگر این تحریکات از بین می رود .

بملاوه اهالی ابرقویه عنصر بامردمان یزد مناسب ندارند بنابر این بعقیده بنده ضمیمه ابرقویه یزد در حکم قرار از یک چیز بدی بجز بدتری است و معظورات ابرقویه زیادتر می شود

لهذا خوب است آقایان بیشتر تمق نظر فرمایند باینده موافقت فرمایند که ابرقویه ضمیمه فارس شود

آصف الممالک مغیر کمسیون داخله - بنده تصور می کنم تمام اظهارات آقای

کازرانی از نقطه نظر فارس است ما نخواستیم ابرقویه را ضمیمه فارس بکنیم زیرا مخالف با اصلی است که در مجلس اتخاذ شد که از توسعه ایالات و ولایات بکاهیم و آنها را تجزیه نماییم و حکام جزء از مرکز برای آنها بفرستیم .

حلت تقاضای انفصال ابرقویه از اصفهان نظر بهمان هلی بود که در لایحه ذکر شده تجزیه ابرقو از اصفهان ضروری باصفهان وارد نمی آورد ولی بالعکس برای یزد هم از جهت آذوقه و هم از جهت امنیت خیلی اهمیت دارد و مفید است آنروز هم کتیل وزارت داخله اظهار موافقت کرد و بنده هم مانعی نمی بینم که ابرقویه از اصفهان مجزی شده و یزد منضم هود

رئیس - آقای نجات موافقت فرمایند

آقامیرزا محمد نجات - بنده توضیحی می خواستم

رئیس - آقای سردار چنگ (اجازه)

سردار چنگ - موافق اطلاعی که بنده دارم چندین سال قبل نائین جزو حکومت اصفهان بوده و ابرقویه جزو ابرقویه است فوق العاده شرارت می کردند بطوریکه تمام طرق را مسدود می کردند این بود که اولیای دولت بعد از مذاکرات زیاد صلاح دیدند ابرقویه را جزو اصفهان کنند ما بواسطه اقتدار حکومت آنجا از

اشرار جلوگیری شود و بالعکس نائین را از توابع یزد قراردادند و همان طور ابرقویه منضم باصفهان بود تا در بیست و شش سال قبل اشرار فرارانه بقدری شرارت کردند که از طرف دولت حکم شد ایلمانی و

(بعضی گفتند مذاکرات کافی است) رئیس - رأی می گیریم باین که داخل مواد بشویم یا خیر آقایانی که تصویب می کنند داخل مواد هوم قیام فرمایند

ایل بیگی بختیاری دونفر از سر کرده های خود را برای سر کوبی اشرار فرارانه بفرستند .

آقای سردار ظفر که اکنون ایل بیگی بختیاری هستند و آقای سردار اجمع با یانصد نفر سوار مأمور رفتن فرارانه شدند آنجا را معاصره کردند و آنچه به آنها تکلیف کردند خلع اسلحه بشوند مقرر شد و اطاعت نکردند .

لذا سوارهای بختیاری هم آنجا را معاصره نموده و آنها را با اهل و عیال و زندگانی بگاک بختیاری کوچ دادند و در آنجا بودند تا چند سال قبل باز بامر دولت آنها را مرخص کردند و فرارانه رفتند این است که بعقیده بنده اگر ابرقویه از اصفهان مجزی شود و باز یک در دسر فوق العاده بواسطه همین اشرار فرارانه متوجه دولت خواهد شد

اطلاعاتی که داشتیم عرض کردم والا خواه ابرقویه جزو اصفهان و هواه جزو یزد باشد برای بنده فرق نمی کند

رئیس - آقای نجات (اجازه)

آقا میرزا محمد نجات - بنده تصور می کردم پس از مذاکراتی که در یک جلسه دیگر هم راجع به این موضوع شد تصویب این پیشنهاد اشکالی ندارد و همین طور هم باید باشد زیرا مخالفین در مجلس راجع بآن نمی بینم اگر هم آقای کازرانی تقریباً مخالفی کردند شاید از باب

حب الوطن من الایمان است یعنی چون و کیل فارس هستند مایلند ابرقویه ضمیمه فارس شود ولی اشکالی که بنده دارم از این بابت است که می نویسد در مدت سه ماه وزارت داخله این قانون را اجراء کند

بنده تصور می کنم مدت سه ماه زیاد است فقط یک تلگرافی بحکومت اصفهان و یک تلگرافی بحکومت یزد باید بشود و این کار سه ماه وقت لازم ندارد و یک هفته هم قید شود کافی است یا این که اصلاً بدون مدت باشد و فقط نوشته شود وزارت داخله مکلف است این قانون را بموقع اجراء گذارد .

خوب است مغیر کمسیون حلت این مسئله را توضیح بدهند

مغیر - سه ماه که مهلت داده اند برای این است که دولت باید یک قوای تأمینیه برای ابرقویه و یزد تهیه نماید که مشکلاتی پیش نیاید این بود که سه ماه برای وزارت داخله فرجه قراردادیم ولی بازمانی نیست در آن که وزارت داخله اگر بتواند این قانون را از امروز بموقع اجراء گذارد .

(بعضی گفتند مذاکرات کافی است) رئیس - رأی می گیریم باین که داخل مواد بشویم یا خیر آقایانی که تصویب می کنند داخل مواد هوم قیام فرمایند

رئیس - آقای آفاسید کاظم (اجازه)

آفاسید کاظم یزدی - بنده عرض می کنم ابرقویه وصل به یزد است و اجناسی که دارد باید به یزد برود . بملاوه سارقین فارس هم با ابرقویه می آیند و از طرف یزد باید از آنها جلوگیری شود اگر ابرقویه جزو یزد بشود و حکومت از یزد بفرستند اشکالی پیش نخواهد آمد جنس هم که باید از ابرقویه به یزد برون و اغب از طرف

حکومت اصفهان بجهت بنفخ خودش جلوگیری می کند ولی اگر جزو یزد شود جنس که حالا ده تومان وارد یزد می شود پنج تومان وارد خواهد شد و اسباب راحت اهالی خواهد بود .

رئیس - آقای مساوات (اجازه)

آفاسید محمد رضای مساوات - بنده آنچه را که در اینجا شنیدم نا امنی را دلیل اتصال ابرقویه به یزد قرار می دهند بنده چیز دیگری ملتفت نشدم مگر اینکه آقای سید کاظم راجع بتجارت آنجا هم شرحی فرمودند .

بنده با تجزیه کردن ابرقویه از اصفهان موافقم لیکن اتصال آنرا به یزد مخالفم زیرا یزد خودش خود را نمی تواند حفظ کند مگر اینکه یک قوه جدیدی برای یزد از طرف مرکز بفرستند و البته این قوه را اگر برای خود ابرقویه هم بفرستند ممکن است خود را حفظ کند .

بنابر این بنده گمان می کنم لازم نباشد آنرا الحاق به یزد کنیم و خودش مستقل باشد بهتر است

رئیس - لازم است این مطلب را به آقایان عرض کنم که این یک طرحی است که فقط یک خورد در آن می شود

آقای حائری زاده (اجازه) حائری زاده - یک تناسبی بیش اهالی یزد و ابرقویه موجود است که یزد محتاج با ابرقویه است و ابرقویه هم محتاج یزد است چون تجارشان با یزد است و البته وقتی ماملاتشان باهم باشد در امورات قضائی هم یک حوزه رجوع شود بهتر است آرزوی تمام اهالی ابرقویه هم همین است که ابرقویه ضمیمه یزد شود .

آقای سید المملک نماینده ابرقویه هم آن طرح را امضاء نموده اند و بملاوه از مطالبات زیاد با موافقت نظر آقایان تقدیم مجلس شده است آقایان می فرمایند ابرقویه مستقل بماند .

چطور ممکن است ابرقویه مستقل بماند زیرا ابرقویه هنوز مالیه صحیح ندارد یک تمسک مالیاتی مطابق عملیات دوهزار سال قبل بتوسط یکی از اهالی اصفهان

با ابرقویه میفرستند مالیات از آنها میگیرند و چون غالباً بهمین جهت يك مخارج خیلی سنگینی بدولت وارد می آورند ممکن است اگر ابرقویه هم مستقل باشد برای يك معملی که ده هزار تومان بیشتر عایدی ندارد بیست هزار تومان خرج تراشی شود ، ابرقویه يك نقطه است مثل دماوند بلکه از آنجا هم کوچکتر است و آنسکه آقایان می فرمایند یزد خودش را نمی تواند حفظ کند دولت باید آنها را اداره کند

بالاخره باید باصول ملوک الطوائفی خانه داده شود محل را شخص حکومت امن نمی کند قوای دولت باید امنیت برقرار نماید بنابر این از این حیث فرق نمیکنند ضمیمه یزد با اصفهان باشد ولی از حیث مناسبات اهالی یزد با اهالی ابرقویه و مناسبات تجارتنی و غیره البته بهتر است ضمیمه یزد بشود خود نماینده ابرقویه هم این طرح را امضاء کرده اند و گمان می کنم بیش از این مذاکرات لازم نباشد

رئیس - آقای معق الملهاء (اجازه) محقق الملهاء - مقصود بنده این است که نه فارس تعلق با آقای کازرانی دارد نه یزد متعلق بحتیاری زاده می باشد

ابرقویه معملی است که واقع شده است بین فارس و اصفهان و یزد و اغلب هم در ابرقویه صدمه می بیند یا از شیراز اصفهان است و یا از حارقین فارسی و در حال باید رفع صدمه از اهالی آنجا بشود و اینکه می فرمایند اگر حکومت مستقل بفرستیم بیست هزار تومان خرج دارد - بنده اعتقاد ندارم ممکن است یکنفر را از مرکز برای ابرقویه بفرستند آنجا را اداره کند و امین مالیه هم برود و يك مستقلی بشود نسبت بجاهای دیگر هم بنده همین عقیده دارم البته فارس هم چون ولایات زیادی دارد و حکومت با آنها نمیرسد باید مجزی شود

رئیس - آقای عماد السلطنه طباطبائی (اجازه) عماد السلطنه - اینکه آقای حائری زاده میفرمایند ابرقویه اداره مالیه ندارد این طور نیست اولاً مالیاتش از روی کمال اعتدال گرفته میشود و ثانیاً امین مالیه هر سال از طرف اصفهان با آنجا فرستاده میشود .

منتهی یکی دوسال مالیات بهمان سالار نظام که در آنجا حکومت داشت و اگذار شده بود - والا پستخانه دارد ، حکومت دارد و بهیچوجه هم بی اعتدالی نمیشود

رئیس - در ماده اول مذاکرات کافی نیست (بعضی گفتند کافی است)

رئیس - رأی میگیریم بماده اول سلیمان میرزا - بنده تقاضا می کنم تجزیه شود یعنی انفصال را يك دفعه رأی می

بدهندو الحاق را دفعه دیگر رئیس - ماده اول را تجزیه می کنیم . اول رأی میگیریم بتجزیه و انفصال ابرقویه از اصفهان آقایانی که این قسمت را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . قسمت دوم محمد هاشم میرزا - در قسمت دوم سؤال دارم رئیس - بفرمایید محمد هاشم میرزا - اگر در ماده قانون اساسی قید نکرده بود که تجزیه ولایات با مجلس شورای ملی است . بنده میگویم این کار بوزارت داخله است . ولی آنطور که آنروز نماینده وزارت داخله اظهار می نمودند انفصال ابرقویه را از اصفهان و انضمامش را به یزد تصدیق نمود با این ترتیب بنده نمی دانم ملاحظاتی آقای محقق الملهاء و آقایان دیگر چه مورد خواهد داشت

رئیس - وقتی آقایان مذاکرات را کافی دانستند دیگر نیبشود دوباره وارد مطلب شد رأی میگیریم بقسمت دوم ماده اول یعنی الحاق ابرقویه به یزد . آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . رأی میگیریم به مجموع ماده اول بطریقی که قرائت شد آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند اکثر قیام نمودند

رئیس - تصویب شد . ماده دوم (بشرح فوق قرائت شد) رئیس - آقای محقق الملهاء (اجازه) محقق الملهاء - عرض بنده اینست که سه ماده برای چیست

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه) حائری زاده - آقایان خیال می کنند انفصال ابرقویه از اصفهان خیلی آسانی است بنده عرض می کنم باین آسانی نیست بجهت اینکه فقط حکومت نیست بلکه اداره مالیه و ادارات دیگر هم باید تجزیه شود . ممکن است پیشکار مالیه اصفهان دخالت هائی در امر مالیه کرده باشد . البته باید جزو جمع هایش را به یزد بفرستند و حقیقتاً این کارها سه ماه وقت لازم دارد تا دولت بتواند موفق بشود

رئیس - آقای سید الملهاء (اجازه) حاج سید الملهاء - بعقیده بنده این مذاکرات کلیتاً راجع بحکومت ابرقویه بود نه تمام دوائر دولتی

مغیر - وقتی که حکومت معملی تجزیه شد . البته تمام دوائر نیز تجزیه میشود . مالیه و پست و تلگراف و هدلیه و بالاخره تمام دوائر باید ضمیمه یزد بشود

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه) محمد هاشم میرزا - تشکیلات دولت

از مد نظر وزارتخانهها باید یکدیگر فرق دارند . هیچ لازم نیست يك نقطه اگر حکومتش جزو يك ولایتی باشد مالیه است هم جزو همان مجلس باشد یا برای عدلیه و تلگراف خانه اشرار امورا از آنجا بفرستند

ما هم از نقطه نظر الحاق حکومت آنجا به یزد بوزارت داخله رجوع کردیم و موافقت کردیم لیکن راجع بمالیه و سایر ادارات باید موافقت نظر وزیر مالیه و غیره جلب شود

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه) حاج شیخ اسدالله - بنده با اصل فقهیه موافق نبودم ولیکن فرمایش شاهزاده محمد هاشم میرزا اسباب اشکال فراهم می آورد زیرا يك حوزه حکومتی مرکب از عدلیه و مالیه و غیره است ولی راجع به پست و تلگراف ترتیب دیگری دارد و اگر ما بغواهییم عدلیه و مالیه را از حکومت جدا کنیم اشکالاتی فراهم خواهد آمد . مثلاً حکومت را حکومت یزد معین کند لیکن مأمور مالیه را از اصفهان بفرستند آنوقت مأمور اجرای مالیه مأمور یزد نباشد بعقیده بنده هیچ مناسبت ندارد تمام این ادارات با هم رابطه دارند در موقع ضمیمه شدن تمام باید ضمیمه شوند

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه) حائری زاده - اگر نظر آقایان باشد آن طرح قانونی که بنده پیشنهاد کرده بودم نوشته بودم هیئت دولت مکلف است وسائل ضمیمه کردن ابرقویه را بیزد فراهم آورد ولی چون در مجلس کمیسیونی که مربوط بتمام وزارتخانهها باشد و نماینده تمام وزارتخانهها در آن حضور پیدا کند نبود

مراجعه بکمیسیون داخله شد و در کمیسیون داخله هم نظر باین که نماینده وزارت داخله در آنجا اظهار عقیده کرده این طور نوشته اند و اگر چنانچه بین دوائر تجزیه کنند يك اشکالاتی پیش خواهد آمد و گمان می کنم آقای وزیر مالیه هم در این قسمت موافقت بفرمایند که تولید اشکالی نشود

وزیر مالیه - بنده هم لازم است توضیحاً عرض کنم که حوزه های ادارات تابع از هر حیث باید یکی باشد و نمی تواند تابع ادارات مختلف باشد بطور می شود حکومت ابرقویه جزو یزد باشد ولی مالیه اش با اصفهان باشد آن وقت اگر دولت بغواهد بحکومت می گوید تقویت با مالیه بکنند باید بحکومت اصفهان مراجعه کنند و حکومت اصفهان هم نمی تواند دخالت در آن جا بکنند و اگر بحکومت یزد می نویسند می گویند مالیه اش جزو اصفهان است این هیچ منطقی نیست تمام قوای تابع يك مرکز واحد باشد حالا که مجلس شورای ملی نظر بیک مزایای تصویب کرد حکومت

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه) حائری زاده - اگر نظر آقایان باشد آن طرح قانونی که بنده پیشنهاد کرده بودم نوشته بودم هیئت دولت مکلف است وسائل ضمیمه کردن ابرقویه را بیزد فراهم آورد ولی چون در مجلس کمیسیونی که مربوط بتمام وزارتخانهها باشد و نماینده تمام وزارتخانهها در آن حضور پیدا کند نبود

مراجعه بکمیسیون داخله شد و در کمیسیون داخله هم نظر باین که نماینده وزارت داخله در آنجا اظهار عقیده کرده این طور نوشته اند و اگر چنانچه بین دوائر تجزیه کنند يك اشکالاتی پیش خواهد آمد و گمان می کنم آقای وزیر مالیه هم در این قسمت موافقت بفرمایند که تولید اشکالی نشود

وزیر مالیه - بنده هم لازم است توضیحاً عرض کنم که حوزه های ادارات تابع از هر حیث باید یکی باشد و نمی تواند تابع ادارات مختلف باشد بطور می شود حکومت ابرقویه جزو یزد باشد ولی مالیه اش با اصفهان باشد آن وقت اگر دولت بغواهد بحکومت می گوید تقویت با مالیه بکنند باید بحکومت اصفهان مراجعه کنند و حکومت اصفهان هم نمی تواند دخالت در آن جا بکنند و اگر بحکومت یزد می نویسند می گویند مالیه اش جزو اصفهان است این هیچ منطقی نیست تمام قوای تابع يك مرکز واحد باشد حالا که مجلس شورای ملی نظر بیک مزایای تصویب کرد حکومت

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه) حائری زاده - اگر نظر آقایان باشد آن طرح قانونی که بنده پیشنهاد کرده بودم نوشته بودم هیئت دولت مکلف است وسائل ضمیمه کردن ابرقویه را بیزد فراهم آورد ولی چون در مجلس کمیسیونی که مربوط بتمام وزارتخانهها باشد و نماینده تمام وزارتخانهها در آن حضور پیدا کند نبود

مراجعه بکمیسیون داخله شد و در کمیسیون داخله هم نظر باین که نماینده وزارت داخله در آنجا اظهار عقیده کرده این طور نوشته اند و اگر چنانچه بین دوائر تجزیه کنند يك اشکالاتی پیش خواهد آمد و گمان می کنم آقای وزیر مالیه هم در این قسمت موافقت بفرمایند که تولید اشکالی نشود

وزیر مالیه - بنده هم لازم است توضیحاً عرض کنم که حوزه های ادارات تابع از هر حیث باید یکی باشد و نمی تواند تابع ادارات مختلف باشد بطور می شود حکومت ابرقویه جزو یزد باشد ولی مالیه اش با اصفهان باشد آن وقت اگر دولت بغواهد بحکومت می گوید تقویت با مالیه بکنند باید بحکومت اصفهان مراجعه کنند و حکومت اصفهان هم نمی تواند دخالت در آن جا بکنند و اگر بحکومت یزد می نویسند می گویند مالیه اش جزو اصفهان است این هیچ منطقی نیست تمام قوای تابع يك مرکز واحد باشد حالا که مجلس شورای ملی نظر بیک مزایای تصویب کرد حکومت

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه) حائری زاده - اگر نظر آقایان باشد آن طرح قانونی که بنده پیشنهاد کرده بودم نوشته بودم هیئت دولت مکلف است وسائل ضمیمه کردن ابرقویه را بیزد فراهم آورد ولی چون در مجلس کمیسیونی که مربوط بتمام وزارتخانهها باشد و نماینده تمام وزارتخانهها در آن حضور پیدا کند نبود

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه) حائری زاده - اگر نظر آقایان باشد آن طرح قانونی که بنده پیشنهاد کرده بودم نوشته بودم هیئت دولت مکلف است وسائل ضمیمه کردن ابرقویه را بیزد فراهم آورد ولی چون در مجلس کمیسیونی که مربوط بتمام وزارتخانهها باشد و نماینده تمام وزارتخانهها در آن حضور پیدا کند نبود

مراجعه بکمیسیون داخله شد و در کمیسیون داخله هم نظر باین که نماینده وزارت داخله در آنجا اظهار عقیده کرده این طور نوشته اند و اگر چنانچه بین دوائر تجزیه کنند يك اشکالاتی پیش خواهد آمد و گمان می کنم آقای وزیر مالیه هم در این قسمت موافقت بفرمایند که تولید اشکالی نشود

وزیر مالیه - بنده هم لازم است توضیحاً عرض کنم که حوزه های ادارات تابع از هر حیث باید یکی باشد و نمی تواند تابع ادارات مختلف باشد بطور می شود حکومت ابرقویه جزو یزد باشد ولی مالیه اش با اصفهان باشد آن وقت اگر دولت بغواهد بحکومت می گوید تقویت با مالیه بکنند باید بحکومت اصفهان مراجعه کنند و حکومت اصفهان هم نمی تواند دخالت در آن جا بکنند و اگر بحکومت یزد می نویسند می گویند مالیه اش جزو اصفهان است این هیچ منطقی نیست تمام قوای تابع يك مرکز واحد باشد حالا که مجلس شورای ملی نظر بیک مزایای تصویب کرد حکومت

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه) حائری زاده - اگر نظر آقایان باشد آن طرح قانونی که بنده پیشنهاد کرده بودم نوشته بودم هیئت دولت مکلف است وسائل ضمیمه کردن ابرقویه را بیزد فراهم آورد ولی چون در مجلس کمیسیونی که مربوط بتمام وزارتخانهها باشد و نماینده تمام وزارتخانهها در آن حضور پیدا کند نبود

مراجعه بکمیسیون داخله شد و در کمیسیون داخله هم نظر باین که نماینده وزارت داخله در آنجا اظهار عقیده کرده این طور نوشته اند و اگر چنانچه بین دوائر تجزیه کنند يك اشکالاتی پیش خواهد آمد و گمان می کنم آقای وزیر مالیه هم در این قسمت موافقت بفرمایند که تولید اشکالی نشود

وزیر مالیه - بنده هم لازم است توضیحاً عرض کنم که حوزه های ادارات تابع از هر حیث باید یکی باشد و نمی تواند تابع ادارات مختلف باشد بطور می شود حکومت ابرقویه جزو یزد باشد ولی مالیه اش با اصفهان باشد آن وقت اگر دولت بغواهد بحکومت می گوید تقویت با مالیه بکنند باید بحکومت اصفهان مراجعه کنند و حکومت اصفهان هم نمی تواند دخالت در آن جا بکنند و اگر بحکومت یزد می نویسند می گویند مالیه اش جزو اصفهان است این هیچ منطقی نیست تمام قوای تابع يك مرکز واحد باشد حالا که مجلس شورای ملی نظر بیک مزایای تصویب کرد حکومت

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه) حائری زاده - اگر نظر آقایان باشد آن طرح قانونی که بنده پیشنهاد کرده بودم نوشته بودم هیئت دولت مکلف است وسائل ضمیمه کردن ابرقویه را بیزد فراهم آورد ولی چون در مجلس کمیسیونی که مربوط بتمام وزارتخانهها باشد و نماینده تمام وزارتخانهها در آن حضور پیدا کند نبود

مراجعه بکمیسیون داخله شد و در کمیسیون داخله هم نظر باین که نماینده وزارت داخله در آنجا اظهار عقیده کرده این طور نوشته اند و اگر چنانچه بین دوائر تجزیه کنند يك اشکالاتی پیش خواهد آمد و گمان می کنم آقای وزیر مالیه هم در این قسمت موافقت بفرمایند که تولید اشکالی نشود

وزیر مالیه - بنده هم لازم است توضیحاً عرض کنم که حوزه های ادارات تابع از هر حیث باید یکی باشد و نمی تواند تابع ادارات مختلف باشد بطور می شود حکومت ابرقویه جزو یزد باشد ولی مالیه اش با اصفهان باشد آن وقت اگر دولت بغواهد بحکومت می گوید تقویت با مالیه بکنند باید بحکومت اصفهان مراجعه کنند و حکومت اصفهان هم نمی تواند دخالت در آن جا بکنند و اگر بحکومت یزد می نویسند می گویند مالیه اش جزو اصفهان است این هیچ منطقی نیست تمام قوای تابع يك مرکز واحد باشد حالا که مجلس شورای ملی نظر بیک مزایای تصویب کرد حکومت

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه) حائری زاده - اگر نظر آقایان باشد آن طرح قانونی که بنده پیشنهاد کرده بودم نوشته بودم هیئت دولت مکلف است وسائل ضمیمه کردن ابرقویه را بیزد فراهم آورد ولی چون در مجلس کمیسیونی که مربوط بتمام وزارتخانهها باشد و نماینده تمام وزارتخانهها در آن حضور پیدا کند نبود

بنده عرض می کنم علاوه بر این که ابرقویه مربوط با باده است داد وستد ابرقویه هم با باده است و یکوقتی در آ باده جنس هست و صرف می کند برای اصفهان یا فارس حمل میشود و همین طور بالعکس این است که بنده یک دلیل قطعی نمی بینم که ابرقویه منضم بیز باشد لیکن رأی آقایان البته مطاع است و بنده اطاعت می کنم

**رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)**

**حائری زاده -** آقای کزرنی یک فرمایشی فرمودند و بنده را خیلی متعجب کردند من نخواستم خدمت باهالی یزد بکنم برای من یزد و کرمان و آذربایجان یکسان است و من هر چه برای اهالی این مملکت صلاح بدانم و بنظرم برسد به مجلس پیشنهاد می کنم در این خصوص هم چون یزدی ها از حیث ارزاق و آذوقه دچار زحمت هستند و خود آقای سردار جنک هم سابقه دارند و در آنجا حکومت داشته اند می دانند در زمانی که نصرت السلطنه والی فعلی فارس والی کرمان بود یک زحمتی در سال قطعی برای یزدی ها پیش آمده زیرا ایالت کرمان اجازه نمیداد اهالی از املاک خودشان آذوقه حمل بیزد کنند و این مسئله خیلی اهالی یزد را زحمت انداخت. باین جهت اگر ابرقویه ضمیمه یزد بشود رفع احتیاج هر دو خواهد شد. اما این که میفرمائید ضمیمه ایالت فارس شود بواسطه وسعتی که ایالت فارس دارد هنوز مأمورش که از مرکز اجرام میشود کاملاً موفق نشده اند امنیت کاملی در تمام نقاط بر قرار کنند همیشه یک دسته فارتگر در آن ایالت مشغول شرارت هستند چطور باز بیاییم یک جای دیگر راهم با آنجا ضمیمه کنیم حالا که خودشان را نمی توانند اداره بکنند بعد بطریق اولی نخواهند توانست

**رئیس -** مذاکرات کافی هست یا نه ؟

(جمعی گفتند کافی است)

**رئیس -** رأی می گیریم بطرح قانونی پیشنهادی آقای حائری زاده آقایان که تصویب می کنند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

**رئیس -** تصویب شده لایحه حقوق تقاعدی آقای امام الحکماء قرائت میشود (بعضیون ذیل قرائت شد)

کمیسیون بودجه نمره (۵۹۴۳) دولت را راجع به شادان تومان حقوق تقاعدی آقای امام الحکماء توجه مطالعه در آورده نظر بعد مدت سابقه وضع مزاج و استحقاق ایشان علی الخصوص بعد از غارت اموال مشارالیه که در موقع مراجعت از عراق واقع شده در این موقع کمیسیون بودجه رعایت حال ایشان را تصدیق و شصت تومان شهریه بعنوان حقوق تقاعدی تصویب و

در جزء بودجه وزارت جلیله عداپه منظور نمود (فیروز)

**رئیس -** آقای حاج عبدالوهاب (اجازه)

**حاج میرزا عبد الوهاب -** بنده عرض می کنم برای این قبیل لواجیحی که هر روز به مجلس می آید ما باید بکوشیم تا بتوانیم جواب این لواجیح را بدهیم. حالا بنده سوابق این شخص را نمی خواهم عرض بکنم که چه سوابق بدی دارد ولی غیر از این که این حرف ها باعث استعراض از خارجی بشود. محل دیگری که نداریم پس خوب است اول معاش ممین شود آنوقت لواجیح را تصویب کنیم

**رئیس -** آقای حاج میرزا مرتضی موافقت ؟

**حاج میرزا مرتضی -** خیر مخالفم

**رئیس -** آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده هم مخالفم

**رئیس -** آقای آصف الممالک چطور ؟

**آصف الممالک -** بنده موافقم

**رئیس -** بفرمائید

**آصف الممالک -** بنده تصور می کنم اگر یک حقوقی بر روی اساس استحقاق تصویب شود همین است که در حق امام الحکماء بر فرامی شود تقریباً بیست و پنج سال است و در این مدت همیشه مشغول خدمات دولت بوده علاوه اخیراً در مسافرت عراق هر چه داشته بردماند و دولت باید جبران خسارت او را بکند و حالا پیر شده و از خدمت افتاده و خیلی هم با فضل و کمال و مورد ملاحظه دولت است و دولت برای اینکه نمی توانست خدمتی با رجوع کند و سنش هم تقاضا نمیکند همان حقوقی را که در عدلیه باو میدادند بعنوان شهریه برای اوتصویب نمود و بنده هم موافقم که این حقوق باو داده شود

زیرا امام الحکماء یکی از اشخاص مستحق است حتماً باید از او نگاهداری شود

**رئیس -** آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)

حاج میرزا مرتضی - لایحه قانون استخدام مطرح مذاکره است و عنقریب می گذرد و البته در آن قانون برای مستخدمین دولت یک ترتیبی منظور شده که حقوق تقاعدی بآنها داده شود

در این صورت و با گذشتن این قانون بنده هیچ فلسفه برای تصویب این شهریه ها امروزه نمی بینم و از این نقطه نظر بنده با شهریه قرار دادن برای مستخدمین دولت بکلی مخالفم و مادام که قانون استخدام

نگذشته ما نمی توانیم به هیچ وجه شهریه برای مستخدمین دولت قرار بدهیم باید هر چه زودتر سعی کنیم این قانون بگذرد تا تکلیف آنها معلوم شود

**آقای آصف الممالک فرمودند چون** فاضل است یا فقیر است خدمت بدولت کرده است باید تصویب شود اگر بنظر استعناق باشد که باید کار مجلس منحصر باشد باینکه هر روزی برای این اشخاص شهریه مستمری تصویب کند و اگر فضل است فاضل تر از ایشان هم هست اگر از نقطه نظر استخدام است دولت باید منتظر باشد تا قانون استخدام بگذرد اگر مستحق است بر طبق آن قانون باو داده می شود و در هر حال بنده قبل از گذشتن قانون استخدام با هر نوع شهریه برای مستخدمین دولت مخالف هستم

**رئیس -** آقای نجات موافقت هستند ؟

**نجات -** بلی موافقم

**رئیس -** بفرمائید

**آقای میرزا محمد نجات -** این حقوق تقاعدی که برای امام الحکماء می خواهیم تصویب کنیم تصوری کنیم یکی از مواردی است که مستحق میفرمایم چیزی بدهیم دیروز در مجلس شورای ملی آقایانی که امروز مخالفت می کنند قریب شصت قلم شهریه را که داخل آنها خیلی اشخاص متمول بودند تصویب کردند و امروز با حقوق یک نفری که کمال استعناق را دارد و تا امروز هم یک چنین پیشنهاد بوددی به مجلس نیامده مخالفت می کنند این شخص یکی از مأمورین وزارتخانه شما است و دولت پیشنهاد کرده برای زندگانی و معاش او چیزی تصویب کند بنا بر این خوب است التفات بفرمائید یک رأی عادلانه اتخاذ نمایند

**رئیس -** آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

**محمد هاشم میرزا -** ایشان جزو مستخدمین عدلیه محسوب شده اند و بودجه عدلیه از مجلس گذشته و حاضر است و ممکن برای جلسه دیگر به مجلس بیاورند در بین از بودجه چندین فقره از این قبیل هست آن وقت هر کس عقیده دارد او را تصویب و هر که عقیده ندارد رد کند بنده نمی دانم چرا یک بودجه مهمی که از عهد تا بحال حاضر است به مجلس نمی آید و در عوض این قبیل لواجیح پیشنهاد می شود بنا بر این خوب است آن بودجه را به مجلس بیاورند و یکمرتبه تصویب نمایند و قبل از آمدن بودجه عدلیه بنده با این حقوق ها مخالفم

مخبر - بودجه عدلیه حاضر است و تأخیر آن همانطور که شاهد زاده فرمودند برای این بود که وزراء خودشان را مکلف می دانند در بودجه نظر کنند تا کتون هم چند کابینه عوض شده ولی در هر

حال بودجه حاضر است و عنقریب مجلس می آید

**ولی علت اینکه کمیسیون این رایوت را جدا گانه تقدیم کرده بواسطه این بود** که دولت را جدا گانه پیشنهاد کرده بود و چندان تفاوتی هم نداشت در بودجه عدلیه هم باشد حقوق تقاعدی تصویب شود حالا اگر آقایان با اساس مخالف نیستند چه فرق می کند امروز تصویب کنند یا فردا این را هم بنده متذکر می شوم این حقوقی که امروز با امام الحکماء داده میشود بعد قانون استخدام خواهد شد

**رئیس آقای رفعت الدوله (اجازه)**

رفعت الدوله - بنده عرضی ندارم

**رئیس -** آقای آقا سید یعقوب مخالفند ؟

**آقا سید یعقوب -** بلی مخالفم

**رئیس -** بفرمائید

**آقا سید یعقوب -** اگر چه آقایان مخالفین حفظ امانت مالی بیانات کافی کردند ولی بنده هم در تکمیل آن عرض می کنم قانون استخدام در مجلس مطرح مذاکره است و مکرر هم گفته شده که در قانون بر سیل کلیات رأی داده می شود و طبق امر کلی بجزئیات آن وظیفه مجلس شورای ملی نیست که فرداً فرد به مجلس بیاید و مجلس بودجه عدلیه هم عرض کردم غیر از امام الحکماء و الا فرمودند مشمول قانون استخدام واقع خواهد شد بنده عرض می کنم شامل می شود برای اینکه امام الحکماء رئیس عدلیه یک نقطه بوده و ما می چهل پنجاه تومان حقوق داشته ...

**محمد هاشم میرزا -** سی تومان آقا سید یعقوب - با فرمایش شاهد زاده سی تومان حقوق داشته حالا چطور می آیند ما می شصت تومان حقوق تقاعدی باو میدهند بنده فلسفه برای آن نمی بینم و اما اینکه آقای آصف الممالک فرمودند فاضل و مستحق است بنده عرض می کنم این ها در این مملکت مناط نیست ملاحظه بفرمائید در خصوص شهریه چه صحبتها شد ما شصت قلم شهریه ندادیم بلکه یک ترتیبی در این مملکت مجری بود ما نخواهیم انقلاب کنیم و مملکت را بحال امنیت بر گردانیم (خنده بین حضار) حالا دعوا نداریم کاری هم انسان اشتباه می کند این که آدمی و نظریات سابقه را جریان دادیم و حقوق مجدداً برقرار نکردیم وقتی قانون استخدام گذشت اینها تمام در تحت آن قانون است اگر پیر مرد است و ما باید تصویب کنیم پیر مرد خیلی داریم و اگر عالم سید عالم رسید هم خیلی داریم اینجا هیچ دلیل نیست که ما بیاییم و شصت تومان شهریه برای او تصویب کنیم

**مخبر -** امروز آقای طباطبائی در ضمن دفاع از لایحه میزبانی تکلیف میفرمایند و معلوم کردند باین جهت بنده هم با آقای آقا سید

یعقوب عرض می کنم اعتراض ایشان بنده وارد نیست و چون هنوز قانون استخدام نگذشته کمیسیون بودجه در موقی که دولت هشتاد تومان حقوق پیشنهاد کرد مکلف بر این نبود که بگوید قانون استخدامی است که باید بر طبق آن رفتار شود و اینکه فرمودند قانون استخدام شامل آن میشود در قانون استخدام که عنقریب خواهد گذشت یک ماده هست که تکلیف متقاعدین را در گذشته معلوم می کند و البته این هم در تحت آن ماده واقع خواهد شد پس این دو اعتراض که بر اریض بنده فرمودند وارد نیست

**رئیس -** آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

مخبر هاشم میرزا - آن روز که در قانون استخدام مذاکره می شد برای حقوق خدمت چندین شکل معین کردند بنده عرض می کنم این مبلغ در هیچ یک از آن ها وارد نیست زیرا آخرین تقاعدی که مادر قانون استخدام قائل شده ایم سه ربع از آخرین حقوقی است که شخصی متقاعد در موقع خدمت داشته و حقوق این شخص سی تومان یا چهل تومان بود نمی دانم کدام یک از مالک میمند این طور رفتار می کنند و راجع بودجه عدلیه هم عرض کردم غیر از امام الحکماء چندین فقره دیگر هم هست

چه دلیل دارد امام الحکماء از زودتر بیاورند بنده عرض می کنم بودجه عدلیه مقدم بر همه اینها است و اینکه آقایان در باره ایشان خیلی معلومات قائل هستند اگر بنده ساکت هستم حمل بر این نشود که تصدیق دارم ایشان از فضلی ما هستند و نظیر ندارند فضلی خیلی هستند ولی مربوط باین مسئله نیست

**رئیس -** باید رأی بگیریم آقایان اینکه حقوق امام الحکماء را مطابق رایوت کمیسیون بودجه تصویب می کنند و رقه سفید والا رقه کبود خواهند داد

(اخلو استخراج آراء بعمل آمد نتیجه بطریق ذیل حاصل گردید)

**عهده حضار -** (۷۴) رقه سفید علامت قبول (۳۳) رقه کبود علامت رد (۱۹) امتناع (۲۲)

**رئیس** بلان نتیجه ماند در موقی که قانون کثیرا مطرح بود و تصویب شد از طرف یکی از آقایان نمایندگان پیشنهادی شد بنده آن پیشنهاد را بکمیسیون مبتکرات عرض کردم همان وقت هم گفته می شد که این مسئله خیلی فوریت دارد زیرا پس از سی الی چهل روز دیگر موقع محصول کثیرا می رسد که تقریباً همین اوقات می شود مع ذلک از آن موقی که بنده این طرح قانونی را بکمیسیون فرستادم ام تا بحال رایوت نداده اند

علاوه بر این این طرح را بدولت مراجعه

داده اند در صورتیکه کمیسیون مبتکرات حق ندارد طرحائی را که با نتایج فرستند بدولت مراجعه بدهد و بموجب نظامنامه داخلی بایستی در ظرف یا نوزده روز اعم از اینکه قابل توجه باشد یا نانداندر رایوتی به مجلس بدهد

لهذا از کمیسیون مبتکرات خواهش می کنم که در ظرف امروز و فردا این رایوت را بدهند که در جلسه آتی تکلیف این امر در مجلس معین شود یک طرح دیگری هم آقای ارباب کیخسرو راجع باین امر پیشنهاد کرده اند قرائت میشود بعد بکمیسیون مراجعه می شود

**ولی شرط اینکه دو ماه دیگر در کمیسیون نمایم**

(شرح ذیل قرائت شد)

(مقام منبع مجلس شورای ملی)

نظر باینکه در ماده سوم قانون مالیات کثیرا مصوبه یازدهم سرطان هفده سنه که نوشته شده است ( صاحبان کثیرا، موجود باید در مدت یکماه پس از نشر اعلان از طرف دولت کثیرای خود را با اداره مالیه محل ارائه نمود جواز معجانی دریافت دارند تا در موقع خروج از سرحد از پرداخت مالیات معاف باشند)

نظر متقن آن بوده است که هر قسم کثیرائی اعم از آنکه قبلاً مالیات محلی پرداخته باشد یا نپرداخته باشد در ظرف یکماه که اظهار نامه ارائه بدهد از مالیات معاف باشد در اداره مالیات غیر مستقیم موجب تردید و معطلی و زبان صاحبان کثیرا شده است

لهذا بنده پیشنهاد می نمایم مجلس شورای ملی تبصره ذیل را باماده مزبور بعنوان تفسیر علاوه نماید و چون خیلی کثیرا ها معطل است تقاضای فوریت می نمایم

تبصره - معافیت مالیات فوق الذکر در ظرف یکماه معین نسبت بکلیه کثیراهائی که در آن مدت ارائه یا اظهار نامه داد، شده باشد اعم از آنکه قبلاً مالیات محلی را پرداخته یا نپرداخته باشد

**رئیس -** بکمیسیون مبتکرات مراجعه می شود و انشاء الله امروز عصر کمیسیون بدولت میشود و رایوت هر دو فقره تا روز سه شنبه به مجلس می آید

ارباب کیخسرو - اجازه می - فرمائید

**رئیس -** بفرمائید

ارباب کیخسرو - یک اجباری بنده را وادار بدان این پیشنهاد کرده زیرا با اطمینان قانونی که در مجلس تصویب شده است مردم شروع کرده اند کثیراهای خود را با اداره مالیه ارائه دهند و جواز بگیرند و آن جواز را در سرحد ارائه نموده کثیرای

خود را در بکنند ولی برای همین موضوع معطل مانده است و این معطلی باعث ضرر تجارت شده و اگر مسامحه بشود و در این امر بزودی اقدام بشود بنده تصور می کنم ضرر فوق العاده بتجار وارد بیاید در صورتی که بنده تصور می کنم نظر متقن با آسایش عمومی بوده است علاوه خود بنده در خصوص ماده دوم سؤالاتی کردم و آقای مخبر و اعضاء کمیسیون قوانین مالیه توضیح دادند که این ماده راجع بعموم است یعنی اعم از این که مالیات سابقه را داده باشند یا ندادند باشند در ظرف این یکماه میتوانستند کثیراهای خود را ارائه داده جواز دریافت نمایند و از پرداخت مالیات در سرحد معاف باشند و مخصوصاً مذاکراتی هم در آنجا شد که چون کثیرا دست بدست گشته است ممکن است صاحبان کثیرا سندی در دست نداشته باشند که مالیات سابق را پرداخته اند باین جهت بایستی عموماً اشخاصی که کثیرای خود را در آن یکماه ارائه می دهند معاف باشند ولی چون این مسئله منظم باین ماده نشده است دچار مشکلات شده اند و همان قسم که آقای رئیس فرمودند بنده از اعضاء کمیسیون مبتکرات تنی می کنم زودتر رایوت بدهند که اسباب ضرر تجار نشود

**حاج میرزا مرتضی -** اجازه می فرمایند

**رئیس -** بفرمائید

**حاج میرزا مرتضی -** همان روزی که طرح قانونی آقای معتمدالتجار بکمیسیون فرستاده شد کمیسیون تشکیل شد و مطالباتی در اطراف آن طرح کرد ولی شنیده شد که قانون گمرا یک موادی دارد که نظر آقای معتمدالتجار را تأمین می کند این بود که خواستم از دولت تحقیقاتی بکنم و ببینم آن مواد چه چیز است ؟ اگر چنین چیزی باشد تحصیل حاصل نشده باشد ولی امروز که باز کمیسیون تشکیل شد در اطراف این طرح مذاکره کرد و این پیشنهاد قابل توجه شد امروز عصر هم رایوت آن را تقدیم آقای رئیس می کنم

**رئیس -** این مسئله گفته شد برای اینکه بعداً کمیسیون مبتکرات این طور عمل نکند کمیسیون مبتکرات حق مراجعه بدولت ندارد اگر لازم باشد از دولت توضیحاتی بخواهند بعد از آنکه به مجلس آمد و بکمیسیون خاص رفت دولت اگر نظریه داشته باشد اظهار می کند آقای آقا میرزا ابراهیم قمی راجع بچه مطلب است ؟

**آقا میرزا ابراهیم قمی -** بنده در چند ماه قبل سؤالی از آقای وزیر مالیه کردم ولی جواب داده نشده حالا که آقای وزیر مالیه تشریف

دارند اگر اجازه بفرمایند سؤال خود را بکنم

**وزیر مالیه -** بفرمایند

**آقا میرزا ابراهیم قمی -** در زمان وزارت مالیه آقای مصدق السلطنه یازده هزار تومان بر حسب پیشنهاد مشارالیه برای بستن سد جاجرود از تصویب مجلس گذشت و در حقیقت این تصویب خیلی لازم بود چون احبای یک بلوک رامی کرد و علاوه بر تأمین ارزاق طهران املاک رعایا را هم از سیل محافظت میکرد اما متأسفانه این وجه را بدون دقت بههندس الدوله نامی داده اند و بدون اینکه مفتش براو بکارند او را مأمور بستن سد کرده اند ایشان هم در زمستان موقی که زمان بستن سد نبود بر روی یک اساس غیر متین که تمام رعایا اظهار می کردند قبول ساختن سد شده و بنده در موقی که بیرون بودم تا نزدیکی سد رفتم و خودم تحقیقات کردم باندازه نیم ذرع از رودخانه را در جایی که شن بوده کنده و پایه را کار گذاشته در حالتیکه باید چهار ذرع بکند و بعد شروع بکنند این شخص دو چینه تقریباً سه چارک این طرف و آن طرف زمین گذاشته و وسطش را شن ریخته و بالا آورده و بقراری که بنده تحقیق کردم بیش از سه چهار هزار تومان خرج نکرده و باقی یازده هزار تومان تفریط شده بنده این سؤال را قبل از تصدی آقای قهیم الملک کرده بودم و حالا نمی دانم آقای وزیر مالیه اطلاعی دارند و تحقیقاتی کرده اند یا خیر

از قراری که بنده شنیده ام تمام این وجه را هم مستقات خرید در حالتی که سیصد تومان حقوق داشته و تقریباً یازده هزار و پانصد تومان و یا دوازده هزار تومان از این مبلغ از بین رفته و بیش از سه چهار هزار تومان خرج شده است

**وزیر مالیه -** همانطور که نامیده محترم اظهار کردند پارسل در اوایل زمستان مجلس این مبلغ را تصویب کرد و بعضی از آقایان نمایندگان که اینجا فرمودند که خوب است جزو بودجه سند آتی منظور دارند یا اینکه موقع بناه گذشته بود مع ذلک شروع کردند و بعد از آنکه سد تمام شد یک معماری از طرف وزارت مالیه و قوائد عامه فرستادند و آنها را بازدید کردند در صورتی که یا به سد هم شکسته بود و مهندس اظهار می کرده بواسطه آنکه پول را بموقع نرساندند و هوا هم سرد شده بود و پول هم کم بود نتوانستند درست اینکار را تمام کنند معمارانی که باز دید کرده اند اظهار می کردند که اصلاً دقت نشده و محکم کاری نکرده اند و این شخص می گوید چون ابتدا بر آورد این کار را بنوزده هزار تومان و کسری

در حبس نیست یا مرده این سابقه غریبی است خراب است بفرمائید آقایان وزراء لا اقل يك دفعه نظامنامه داخلی را بخوانند وزیر مالیه - سئوالاتی که از وزارت

مالیه شده است در این چند جلسه بنده بر جواب حاضر بوده ام و دو ساعت ونیم بعد از ظهر هم از این جا رفته ام ولی سئوالات نشده بنده مربوط نیست

محمد هاشم میرزا - در جلسه دیگر سئوال می کنم

رئیس - راجع بدستور قانون استخدام را برای قبل از تنفس و قانون ممیزی را برای بعد از تنفس می گذاریم دیگر اظهاری نشد؟

(گفته شد خیر)  
(مجلس يك ساعت ونیم بعد از ظهر ختم شد)

مؤتمن الملک  
جلسه ۱۳۶  
صورت مشروح مجلس یوم ۳ شنبه ۲۱ ذیحجه ۱۳۴۰ مطابق بیست وسوم اسد ۱۳۰۱

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

صورت مجلس یوم یکشنبه بیست و یکم اسدرا آقای امیر ناصر قرائت نمودند رئیس - ملاحظاتی نیست؟ (اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد دستور امروز اولاً قانون استخدام و بعد قانون ممیزی عمومی است ولی قبلاً دوسه فقره مطلب است که باید بعرض آقایان برسد در موقعی که راجع باختیارات رئیس کل مالیه از واشنگتن تلگرافاتی باین جا شده بود از قرار معلوم يك لفظ از ماده شش در پیشنهاد دولت ساقط شده است و آن لفظ راجع باختیارات رئیس کل مالیه نسبت بمأمورین مالیه وسایر ادارات که مربوط به جمع و خرج هستند می باشد و این جمله لفظ (تعیین) بوده است و در تانی از طرف هیئت دولت بمجلس مراجعه و تأکید شد که چون در ظرف این دو روزه میخواهند کنترات اورا منعقد کنند بغوریت تکلیف آن معلوم شود و چون وقت نبود بعرض مجلس برسد بنده بطور استثنائاً بکمسیون قوانین مالیه مراجعه کردم کمسیون هم رایورتنی داده است که قرائت میشود اگر تصویب فرمودید امروز در آخر جلسه والا در جلسه آتیه رأی می گیریم بالفعل برای اینکه خاطر آقایان مسبوق باشد ماده که تغییر کرده قرائت می شود

( آقای امیر ناصر بشرح ذیل قرائت نمودند )

کمسیون قوانین مالیه مراسله ۸۲۷ ه ۲۱ اسد جاری ریاست وزراء رادر خصوص اضافه نمودن کلمه تعیین بماده (۶) قانون

کردیم و کلیه خرجی که پیش بینی شده بوده داده شده است نتوانستیم کار را دنبال کنیم و سؤال آقای آقا میرزا ابراهیم قمی هم چند ماه قبل نشده بود و چند روز قبل هم در این کابینه هم فرستاده شد و بنده تحقیقاتی کردم ولی این کار در معاکمات مالیه بین مهندس و معمارهایی که بازدید کرده اند تحت رسیدگی ونتیجه هر چه شد البته بعرض مجلس خواهد رسید

آقا میرزا ابراهیم قمی - پس بنده منتظر اطلاعات آقای وزیر هستم

رئیس - جلسه آینده روز سه شنبه چهار ساعت بظهر مانده دستور اولاً قانون ممیزی عمومی

ثانیاً قانون استخدام ثالثاً لایحه کنترات مسبوسریکر رابعاً انتخاب يك نفر منشی بجای آقای نظام الدوله که استعفا داده اند

آقای زنجانی (اجازه)

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - چون در آخر مجلس هوا گرم می شود وخستگی تولید می شود وسئوالات هم خیلی است خواهش می کنم آقای وزیر مالیه و هم چنین سایر آقایان وزراء در جلسه آتیه اول جلسه تشریف بیاورند که در اول جلسه سئوالات بشود

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بنده اولاً می خواستم تقاضا کنم که قانون استخدام را جلوی بیدازند زیرا ملاحظه می فرمائید هر روزی حقوق های تقاعدی وسایر گرفتاری ها وقت مجلس را اشغال می کند و از يك طرف اجزای ادارات هم حق دارند مطالبه تکلیف خودشان را بکنند و اگر این قانون را زودتر بگذاریم مذاکرات مجلس را مختصر تر کرده ایم بنا بر این تقاضا می کنم قانون استخدام مقدم شود زیرا بعد از تمام کردن قانون ممیزی تازه مستشاران که آمدند تجدید نظر خواهند کرد و این قانون هم برای سال آینده است در حال بنده کاری بقانون ممیزی ندارم ولی تقاضا می کنم قانون استخدام را در قسمت اول بگذارند و فرمایش آقای زنجانی را هم تکرار می کنم که خوب است آقایان وزراء بسئوالات توجه بکنند زیرا سؤال برای بعد از انقضای دوره چهارم نیست سئوالی که ما می کنیم فوری است استیضاح نیست که مطالبات و استادی لازم داشته باشد - سؤال می کنم آیا این مالیات و این پول آنطور هست یا نیست بنده سؤال کرده ام و تاریخ گذاشته ام چهل و پنج روز می گذرد و اگر راجع بحبس کسی بود می گذاشته وقتی حبس تمام شد و آن شخص مرد جواب بدهند کسی